

بنیاد مطالعات ایران

برنامه تاریخ شفاهی

آقای دکتر محا مددی

بنیاد مطالعات ایران
Foundation for Iranian Studies

برنامه تاریخ شفا هی

مصاحبه شونده : آقای دکتر محمدمدی

مصاحبه کننده : خانم فرج ابراهیمی

۱۱ زانویه ۱۹۸۴

خالمه مندرجات مصاحبه آقای دکتر محمدمدی

صفحه

- سوابق خانوادگی و دوران تحصیلی و آغاز فعالیتهای سیاسی در ایران و
بروز اختلاف نظر بین دانشجویان و حکومت .
۱ - ۳
- تاریخچه مشروح تشکیل کنفراسیون .
۳ - ۸
- اصول نظریات و اهداف کنفراسیون و نحوه برخورداران با حکومت .
۸ - ۱۱
- حدوث انشعاب در حزب توده و گرایش‌های مختلف در کنفراسیون و مباحثه بر
سرنحوه تعیین و تشخیص مقاد شعارهای کنفراسیون و نشریات آن .
۱۲ - ۱۷
- منابع درآمد کنفراسیون و ارتباط فدراسیونهای دانشجویان اروپا و آمریکا .
۱۷ - ۲۱
- آغاز تظاهرات دانشجویان و روی کار آمدن دولت دکتر امینی و مجاہدات
حکومت بمنظور رخنه در کنفراسیون و پیدایش اختلال در کارکنفراسیون و
نقشه نظرهای حزب توده .
۲۱ - ۲۷
- تشکیل کنگره سوم کنفراسیون و آغاز تشکل اتحادیه های دانشجویی و نحوه
تصمیم گیری .
۲۷ - ۳۲
- پیدایش رادیکالیسم در برداشت‌های کنفراسیون و نقشه نظرهای گروههای
سیاسی در تصمیمات و منشورهای کنفراسیون .
۳۲ - ۳۸
- تأثیر وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در فعالیتهای کنفراسیون و ارتباط بین
سازمانهای سیاسی داخلی و کنفراسیون .
۳۸ - ۴۲
- مسئله برداشت‌های کنفراسیون نسبت به رژیم و تضییقاتی که از طرف دولت
برا فراد کنفراسیون وارد میشد و ارتباط دادن ترور محمدرضا شاه به
فعالیتهای غده از اعضای کنفراسیون .
۴۲ - ۴۶

سؤال : آقای دکتر محامی ممکن است درمورد تاریخچه زندگی خودتان و موقعیت خانوادگی ، تحصیل و غیره واينها شرح بدھید .

آقای دکتر محامی : من در ۱۳۱۴ در تهران در يك خانواده متوسط بدنيا آمدم . در تهران به مدرسه رفتم و دوره لیسانس ، لیسانس را در رشته زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۳۸ تمام کردم ، پس از آن رفتم به انگلیس و در انگلستان بودم که سال ۱۹۶۳ در آنجا مستر (Master) را گرفتم بعد از ایران برگشتم و تا سال ۱۹۶۶ در ایران بودم بعد به آمریکا آمدم و از دانشگاه هاروارد پسی اج دی (PHD) ام را گرفتم در سال ۱۹۷۱ .

سؤال : قبل از اينكه به خارج بياييد برای تحصيل آيا شما افكار سیاسی و يا فعالیت سیاسی در خود ایران داشتید ؟

آقای دکتر محامی : بله من از زمانی که دبیرستان بودم، کلاس نهم یا دهم دبیرستان بودم، به فعالیتهای سیاسی اشتغال داشتم و این هم زمان بود با نهضت ملی ایران، شکوفا شدن نهضت ملی ایران و حکومت ملی دکتر مصدق و در آن زمان فعال بودم، بعد از کودتای ۲۸ مرداد باز تا آنجایی که ممکن میشد فعالیت داشتم ولی نه مثل قبل تا اينکه به انگلستان رفتم ، در انگلستان هم البته بجز یک سال اول، بقیه اش را فعال بودم .

سؤال : ممکن است در اينجا شرح بدھید که تجربه شما و شركت شما در شروع فعالیت دانشجویان در اروپا چگونه بود ؟

آقای دکتر محامی : وقتی که من به انگلستان رفتم یعنی در سال ۱۹۵۸ فعالیت سیاسی دانشجویی یا غير دانشجویی زیاد به صورت ، به حساب متسلک، زیاد به چشم نمیخورد آنهم بعلت شرایط یأس و خفاقانی بود که در ایران پیش آمده بود و تمای سازمانهای سیاسی که در ایران فعالیت میکردند از بین رفته بودند ، البته بودند در اروپا سازمانهای سیاسی مثل بقایای جبهه ملی و همچنین تا اندازه ای حزب توده که هنوز فعالیت سیاسی میکردند ولی نه بصورت خیلی مرتب و سیستماتیک، فعالیتهای دانشجویی هم واقعا " فعالیت سیاسی در آن موقع نبودند ، انجمنهای دانشجویی بودند در کشورهای مختلف که فقط برای گردهم آوردن دانشجویان تشکیل میشوند و جلسات سخنرانی داشتنند و خیلی بیطرفا نه و جشنها مخالف از جمله جشن عید غیره و ...

سؤال : می بخشید اينجا خود دولت و سفارت ، سفارتها در اروپا، آیا سازمانهای

دانشجویی تشکیل داده بودند ؟

آقای دکتر محمدمدی : نه در آن زمان هنوز آنها هم این کار را نکرده بودند چون واقعاً احتیاجی نداشتند به این کار ، هنوز جنبش‌دانشجویی شروع نشده بود ، دلیلش هم این بود که در ایران واقعاً "یک حالت یاس و خفگانی بود و جنبش‌دانشجویی و فعالیتهای سیاسی همراه با باصطلاح دوباره شروع شدن نهضت ملی ایران ، در خود ایران شروع شد و این به این صورت بود که در سالهای تقریباً "۳۸ - ۳۹ در ایران باصطلاح کوس‌رسوا فی دولتها ریس از کودتا زده شد و ایران از همه نظر در حال ورشکستگی بود . از نظر اقتصاد با اینکه در آمد مفصل نفت‌درتام این سالها داشت و کمکهای خیلی زیادی از آمریکا گرفته بود وضع خیلی بد اقتصادی پیدا کرده بود و دزدی و رشوه خواری و غیره وغیره به حد اعلا رسیده بود بطوریکه دیگر آمریکا حاضر نبود به ایران کمک کند در آن حالت فساد و درنتیجه این، باصطلاح شاه کوشش میکرد که نوعی حمایت‌غرب و آمریکا را جلب بکند و از این جهت اعلام کرد که پس از افتادن دولت‌اقبال دولت‌شریف‌اما می روی کار آمد و با آمدن دولت‌شریف‌اما می اسلام کردند که انتخابات مجلس آزاد خواهد بود و همراه با این دو مرتبه اپوزیسیون ، نیروهای مخالف ایران یک چیزی پیدا کردند که شروع به فعالیت سیاسی کنند.

سؤال : این درجه سالی حدوداً "بود ؟

آقای دکتر محمدمدی : این در سالهای ۳۹ - ۴۰ که در ایران اتفاق افتاد، همراه با این جنبش‌سیاسی و دانشجویی در خارج از کشور هم نصیح گرفت و واقعاً " شروع شد به فعالیت یعنی دوباره از آن حالت درهم رفتگی و یاس، همه، جنبش در آمد و یک نوع فعالیت، باصطلاح فعالیت مثبت و متشکل شروع شد .

سؤال : قبل از اینکه وارد مشخص خود فعالیتهای کنفرانسیون بشویم ، میخواستم ببینم وقتی که شما در ایران بودید ، در دانشگاه ، آنجا چه نوع دانشجویان در گیر فعالیت سیاسی میشدند ؟

آقای دکتر محمدمدی : والله در دانشگاه موقعی که من بودم درست بعداً زیراً ۱۳۲۸ مرداد بود و یک سال بعد از ۲۸ مرداد بود که من وارد دانشگاه شدم و یک حالت یاس و خفگان پیش‌آمده بود که دیگر هیچ نوع فعالیت باصطلاح دانشجویی و یا سیاسی نه میسر بود و نه حکومت میگذاشت یعنی فرماندار نظامی آن موقع بود و نه اینکه توده‌های جوان دانشجو در اثر سرخوردگی که از قبل داشتند دنبال این فعالیتهای

زیاد میرفتند.

سؤال : اینجا یک سؤال ، آیا دانشجویانی که سیاسی بودند و در قبل فعالیت سیاسی داشتند در اثر این سرخوردگی ، آیا تعداد زیادی به خارج رفتند برای ادامه تحصیل ؟

آقای دکتر محمدمدی : بله عده زیادی از آنها که میتوانستند خارج بشوند ، خارج شدند ، شرایطش را داشتند ، شرایط مادی و غیره ، عده دیگری هم که در ایران ماندند آنها هم یک عده شان دیگر فعالیت سیاسی نمیکردند و عده دیگر هم که می کردند البته مخفی بود ، فعالیت خیلی گسترده ای نبود ، ولی خوب هنوز باصطلاح چیزی مثل ۱۶ آذر را که بعد در دانشگاه ایجاد شده بود اینها ، یعنی پس از ۲۸ مرداد در دانشگاه ایجاد شده بود ، حواشی مثل آن را چیز میکردند ، دانشگاه دوباره شلوغ میشد ، تعطیل میشد عده ای به زندان می افتدند و غیره ، فعالیت های خیلی چیز بود ، مشکل نبود ، بصورت متراکم ، ولی اتفاق می افتاد .

سؤال : ببینیم ممکن است مختصر از ۱۶ آذر اسم بردید فقط برای روشن شدن آن وقایع و مختصری ۱۶ آذر را شرح بدھید ؟

آقای دکتر محمدمدی : بعد از ۲۸ مرداد در اثر تظاهراتی که در ۱۶ آذر در دانشگاه تهران اتفاق افتاد ، یعنی حکومت ایران دانشکده فنی را ، دانشکده فنی تهران اعتراض کرده بود ، وهمه دانشکده را ظاهرا "به گلوله بست و سه نفر از سران دانشجویی در این حادثه شهید شدند .

سؤال : این در اثر سفر نیکسون به ایران بود در آن زمان که معاون رئیس جمهور آمریکا بود در آن زمان .

آقای دکتر محمدمدی : کاملاً صحیح است .

سؤال : ممکن است در اینجا سوابقی مربوط به نحوه تشکیل کنفرانسیون را شرح بدھید ؟

آقای دکتر محمدمدی : کنفرانسیون ، ابتدا باید برای اینکه بخواهیم سابقه کنفرانسیون را شرح بدھیم ، باید سابقه کنفرانسیونها مخالف دانشجویی در کشورهای مختلف اروپا را توضیح بدھیم ، عرض کنم که از سال ۱۹۵۹ بچه هایی که به اصطلاح افراد و دانشجویان

سیاسی که قبلاً "درایران فعالیت سیاسی میکردند و یاد ر اثر محیط اروپا سیاسی شده بودند به این فکر افتادند که انجمنهای دانشجویی موجودی که وجود دارد باید فعالیت بیشتر و در راهی فعالیت بکند که با نهضت ملی ایران با صلح همکاری شود. به این جهت انجمن های مختلف دانشجویی در کشورهای مختلف تشکیل میشد و نفع گرفته میشد و حتی انجمن های مختلف دانشجویی در شهرهای مختلف، مثل "در انگلستان، یکی انجمن دانشجویان ایرانی در انگلستان بود که همه دانشجویان و دانش آموزان را میتوانست شامل بشود در لندن و بعد انجمن های دانشجویی دانشگاه های مختلف در شهرهای مختلف بود، انجمن دانشجویی ایرانی دانشگاه لندن بود، دانشگاه منچستر، وغیره واینها در مجموع با صلح برای اینکه کارشان و فعالیتهاشان چیز باشد، یک نوع هماهنگی داشته باشد، فدراسیون انجمن دانشجویان ایران در انگلستان را تشکیل میدادند، وهمین حالت هم در فرانسه و آلمان و اتریش وجا های دیگر اروپا یواش یواش ایجاد شده بود که این انجمن ها یکی ایجاد میشد و با تشکیل این انجمن ها و فدراسیونها، این فکر که یک کنفرانس دانشجویان و محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ایجاد بشود، ابتدا البته در اروپا ایجاد شده بود و این فکر یواش یواش نفع گرفت، با هم صحبت کردند، به بحث و گفتوگو نشستند از کشورهای مختلف، نمایندگان مختلف همیگررا دیدند، ملاقات کردند، برنامه ریزی کردند و سرانجام با صلح کنفرانس را تشکیل دادند، علت مسئله هم این بود که واقعاً "می خواستند، چون فعالیتها دانشجویی در ایران خیلی محدود بود و با اینکه ظاهراً "سازمان دانشجویان دانشگاه تهران هنوز فعالیت میکرد و لی فعالیت زیر زمینی و مخفی داشت، یک هماهنگی و یک با صلح کمکی بشود از نظر فعالیتها سیاسی به آن دانشجویان ایران و همچنین سازمانهای سیاسی و همچنین از نظر آشنا کردن بیشتر با صلح، هم ایرانیان در خارج از کشور، و هم خارجی ها از نظر آنچه که در ایران از نظر سیاسی و خلقان وغیره میگذشت.

سؤال : در اینجا سازمانهای سیاسی که در خارج تشکیلات داشتند و فعالیت میکردند چه سازمانهای بودند ؟

آقای دکتر م Hammond : سازمانهای سیاسی که تشکیلات داشتند و فعالیت میکردند در اروپا همانطور که قبلاً گفتم جبهه ملی بود با جناهای مختلفی که داشت بعنوان جبهه ملی ایران در اروپا و یا در خارج از کشور، عرض کنم حزب توده که دوباره داشت فعالیتش را زنده میکرد و از سر میگرفت و البته این پیش از سال هشتاد و سال ۱۳۵۹ بعد هم جامعه سوسیالیستها ایرانی در اروپا.

سؤال : آیا اینها سازمانهای جوانان و یا سازمان دانشجویی داشتند ؟

آقای دکتر محمدمدی : برای خودشان نه ، هیچکدام برای خودشان سازمان مستقل دانشجوئی نداشتند ، کوشش در این بود که البته سازمانهای سیاسی غیر از حزب توده ، کوشش براین بود که سازمان دانشجوئی صنفی بوجود بیاید با محتوای سیاسی ولی نه با محتوای ایدئولوژیکی و در آن سازمانهای دانشجوئی با صلاح هم سازمانها ، یعنی در حقیقت بشود مجموعه ای از سازمانهای جوانان ، تمام احزاب مختلف ، میگویند بهر حال ، فعالیتی که در خارج فعالیت میکردند خودشان همه دانشجو بودند حتی در سازمانهای دانشجوئی بیشتر ، جز حزب توده ، بنابراین اینکه یک سازمان دیگری داشته باشد مثل سازمان جوانان در خارج از کشور ، اصلاً معنای ندارد .

سؤال : اینجا فرمودید که سازمان دانشجوئی صنفی با محتوای سیاسی ولی نه ایدئولوژیک منظورتان از این چه هست ؟

آقای دکتر محمدمدی : اینکه بعدها متاسفانه دیدیم که کنفراداسیون شده بود به حساب محل فعالیت ایدئولوژیهای مختلف ، به این صورت که هر حزب سیاسی یا دسته سیاسی برای خودش یک کنفراداسیون خاص و یا سازمان دانشجوئی خاص ایجاد کرده بود که آن محتوای ایدئولوژیکی سازمان سیاسی را با صلاح تبلیغ بکند و یا اشاعه بدهد ، در حالیکه در کنفراداسیون و در سازمانهای دانشجوئی به این صورت بود که از همه گروهها ، با صلاح و افراد و گروههای سیاسی و غیر سیاسی و افراد تشکیل میشد و خط مشی اش این بود که مسائل صنفی را بیشتر رویش تکیه بکنند ، صنفی که توام با ایده های سیاسی بود ، مثلاً فرض کنید که خواستن آزادی در ایران یا انتخابات آزاد ، ولی محتوای ایدئولوژیک نداشت به این صورت که یک چیز بخصوص طبقاتی را در کنفراداسیون اشاعه بدهد ، آن کار حزب سیاسی بود و یا اینکه حتی یک فدراداسیون و یا کنفراداسیون ها به حساب جنبه علیه داشتند و در این جنبه علیه به اصلاح قانونی میخواستند فعالیت کنند و مخالف ، عرض کنم ، حکومت مشروطه و این حرفها نبودند بلکه در آن کادر میگفتند با یدم مطابق قانون رفتار بشود و دانشجویان به خواسته خودشان برسند . هم در خارج و هم در داخل ایران سازمانهای دانشجوئی در ایران باید به رسمیت شناخته بشود ، از نظر دولت ، دانشجویان را نباید بگیرند زندانی بکنند ، قلم و بیان عرض کنم ، گردهم‌آئی ، سندیکا داشتن همه اینها باید آزاد بشود و مسائلی از این قبیل که می بینید محتوای سیاسی دارد همه ولی هیچ جنبه ایدئولوژیک که پای بند یک حزب خاص باشد و یک دسته خاصی باشد در ابتدای مسئله کنفراداسیون مطرح نبود .

سؤال : نظر سازمانهای سیاسی تا آنجا که شما میدانید در مورد جنبش دانشجوئی و تشکیل یک سازمان که صنفی-سیاسی و علیه باشد چه بود ؟

آقای دکتر محا مددی : در اروپا میفرمایید؟

سوال : بله

آقای دکتر محا مددی : همه نظر خوشدا شتند بدلیل اینکه کسانی که با مصطلح شروع کردند کنفرانسیون را تشکیل بدهند آدم‌های سیاسی بودند تقریباً "آدم غیر سیاسی نداشتیم، یعنی به‌حال مسئله‌ای بود که ظاهراً" سازمانهای سیاسی فکر کرده و یا افراد سیاسی فکر کرده بودند حتی برای اینکه بتوانند سازمانهای سیاسی با مصطلح مشکل بشوند و درست بکنند و از آن حالت افتادگی در بیانند، این است که شروع کنند به سربازگیری، شروع کنند به فعالیتهای دانشجویی و دانشجویان مخالف را جمع کنند و عرض کنم بآنها مسائل ایران را بهتر بشناسانند و غیره و غیره، بنابراین همه سازمانهای سیاسی تقریباً "توى این قضیه شرکت داشتند بصورت غیر مستقیم نه مستقیم".

سوال : منظور اینکه نمیخواستند که این سازمانها وابسته بخودشان باشند؟

آقای دکتر محا مددی : نه، این یک مسئله دیگری است یعنی بعد از تشکیل کنفرانسیون، البته هر سازمان کوشش میکرد که اکثریت اداره کننده را داشته باشد که با مصطلح نقطه نظرهای سیاسی خودشان را در آن بیشتر انجام بدهند بخصوص حزب توده، ولی در ابتدای امر تشکیل کنفرانسیون چنین چیزی نبود.

سوال : توضیح بدھید لطفاً که چطوری کنفرانسیون تأسیس شد؟

آقای دکتر محا مددی : کنفرانسیون، پس از اینکه این احتیاج حس‌شده دانشجویان که بصورت متفرق بودند و عدد زیادی که نسل بعد از ۲۸ مرداد بودند، نسل جوان بعد از ۲۸ مرداد، که بخارج آمده بودند و مسائل سیاسی را اصلاح نمیدانستند و تحت شرایط اروپا به‌حال آشناشی پیدا میکردند با مسائل سیاسی و غیره واين حرفها، اينها را بيشتر آگاه بکنند، اينها را گردهم بياورند واين حرفها، بنابراین افراد با سابقه سیاسی که دانشجو بودند اينها فکر کرده بودند که اگر اين فعالیتهای متفرق سازمانهای دانشجویی کوچک با آن شرایط خاصی که در ایران بوجود آمده بود، اينها هم آهنگ بشود و در يك سازمان مشکل بشود همه اينها با يك برنامه بخصوص، اين میتواند ارزش بيشتری داشته باشد و كمک بيشتری به نهضت دانشجویی در داخل ایران و همچنین به نهضت ملي ایران بکند و از اينجا بود که افراد سیاسی با

همدیگر جمع شده، ابراز نظر کردند با هم سنجیدند مسئله را، البته ابتکار عمل یک مقدار زیادی دست فعالین سیاسی، فعالین دانشجویی سازمان دانشجویان ایران در فرانسه در پاریس بود ولی خوب دانشجویان که در انگلستان بودند و دانشجویان آلمان و اتریش و غیره هم با این مسئله موفق بودند و درنتیجه تبادل نظرهای غیره ای که انجام شد به این نتیجه رسیدند که کنفراسیون تشکیل بشود و تشکیل شد.

سؤال : و چگونه بود این تاسیس ؟

آقای دکتر محمدمدی : اول بدعوت سازمان دانشجویان ایرانی در فرانسه یک گردهم‌آوری در انگلستان در لندن پیش‌آمد از نمایندگان کشورهای مختلف سازمانهای دانشجویان ایران در کشورهای مختلف و در آنجا اساس و باصلاح برنامه کنفراسیون ریخته شد و کنفراسیون شروع به فعالیت کرد یعنی در سال ۱۹۶۰.

سؤال : لطفاً " ممکن است توضیحی درمورد خط مشی کنفراسیون در آن زمان بدھید ؟

آقای دکتر محمدمدی : کنفراسیون وقتی تاسیس شد به این صورت بود که در ضمن یک کنگره‌ای بود یعنی باصلاح هیئت موسسین بودند که این هیئت موسسین انجمنهای دانشجویی بودند، انجمن دانشجویان ایرانی در انگلستان، انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه و انجمن دانشجویان ایرانی در چندتا از شهرهای آلمان و غیره اینها وقتی که گرد هم آمدند یک منشوری را تصویب کردند و یک برنامه و یک خط مشی ای را روی آن برنامه و خط مشی و مسائل مختلف این برنامه کنفراسیون بطورکلی شروع شد.

سؤال : و این در اولین کنگره کنفراسیون بود در چه سالی بود ؟

آقای دکتر محمدمدی : در اواخر تابستان ۱۹۶۰ بود بعد اسم اینرا گذاشتند کنگره اول کنفراسیون، در حقیقت جلسه هیئت موسسین کنفراسیون بود.

سؤال : یادتان هست چند نفر در این جلسه شرکت کردند و چند نفر را نماینده می‌کردند ؟

آقای دکتر محمدمدی : والله اینکه چند نفر را نماینده می‌کردند این مشکل است گفت

چون اعضای سازمانهای دانشجویی به یک شکل مشخص و ثابت نبود و همیشه در حالت تغییر بود بسته به این بود که دو دلار یا یک دلار

سؤال : انتخاب نشده بودند ؟

آقای دکتر محا مدی : چرا آنهاشی که آمده بودند منتخبین انجمنهای دانشجویی خودشان بود ولی اینکه چه عده ای را (پرزنت) نمایندگی میکردند این مشخص نیست بهر حال کسانی که از فرانسه آمده بودند هیئت مدیره انجمن های دانشجویی ایرانی در فرانسه بودند که در مجمع عمومی انتخاب شده بودند و با آنان این نمایندگی واگذار شده بود که به چنین کاری دست بزنند، مال انگلستان هم به همچنین ومال جاهای دیگر هم به همچنین . عده ای که در آنجا شرکت میکردند در حدود ۳۵ نفر باید بوده باشد که ابتدا عده ای نازل بودند ولی نمایندگان اصلی شاید در حدود ۲۰ نفر بودند .

سؤال : آنوقت این منشوری که تصویب شد چه محتواهی داشت .

آقای دکتر محا مدی : منشوری که در کنفرانسیون با صلاح برای بنیان گذاشتن کنفرانسیون تصویب شد یک چیز صنفی و سیاسی بود ، در حقیقت که خواسته های دانشجویان ایران را بطور کلی از حکومت ایران بیان میکرد .

سؤال : این خواسته هارا یادتان هست مشخصاً " الان چه بودند ؟

آقای دکتر محا مدی : مقداری را بله ، البته اول ، علت اینکه این چنین سازمانی تشکیل میشد چه بود ، برای این بود ، برای متحد کردن تمام جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور بخصوص که جنبش دانشجویی در داخل کشور نمیتوانست فعالیت کند بصورت همیشگی وعلی ، یعنی از نظر دولت قانونی شناخته نمیشد ، و اینکه به رشد افکار جوانان و دانشجویان کمک کند ، و اینکه با صلاح خواسته های سیاسی که به این مسئله کمک میکند که عبارت بود از همچنان که گفتم ، تامین آزادی در ایران ، آزادی احزاب ، سندیکاها ، قلم ، فکر ، اندیشه ، گردهم آئی ، مذهب و غیره و برسمیت شناختن انجمنها و سندیکاهای دانشجویی در ایران و در خارج از ایران و عرضه کردن برنامه هایی از این قبیل که از دولت میخواستند . مثلاً برنامه مبارزه با بیسوادی بايدواقعی باشد بجای اینکه بودجه هنگفتی صرف ارتض و مسائل اسلحه خریدن و غیره بشود ، باید صرف مسئله بیسوادی ایران بشود و تا آنجایی که من یادم هست واقعاً آن

برنامه ای که بعدها در انقلاب سفید لااقل از نظر سپاهیان دانش و سپاهیان بهداشت وغیره بود این اولین بار در برنا مه کنفراسیون بود که بصورت خواستن از دولت ایران که نوعی بعدها آنها از آن سوء استفاده کردند.

سؤال : به بینم این منشور اول پسکاری با مسائل بنیادی جامعه نداشت بیشتر مربوط بود به خواسته های سیاسی در چهارچوب خواسته های دمکراتیک و آزادی . با شکل حکومت و ماهیت حکومت، با رژیم سلطنت مخالفت آشکاری نداشت.

آقای دکتر محمدمدی : نه خیر ، همانطور که گفتم کنفراسیون سازمانی بود که می خواست درکار در باصطلاح حکومت مشروطه بصورت علنی رفتار بکند و در آن کادر مسی خواست که مطابق قانون اساسی ، آزادیهایی که در قانون اساسی هست بهمde داده بشود و اصلاحات اساسی که باید در ایران بشود و جلوی عرض کنم تمام آن فساد اداری و فساد مالی که وجود داشت گرفته بشود و مسائلی از این قبیل .

سؤال : در کنفراسیون از دولتهای خارجی و قدرتهای خارجی ، ابر قدرتها چه بود؟

آقای دکتر محمدمدی : بطورکلی ، البته باصطلاح تمايلاتی بود که بستگی داشت به چیزهای سیاسی، به گروههای سیاسی مختلفی که اعضایش در کنفراسیون فعالیت میکردند ولی کوشش میشد که باصطلاح راجع به این مسائل تا آنجا که ممکن است صحبت نشود و تصمیم گیری نشود یعنی نه ما امپریالیسم را میکوییم و نه عرض کنم باصطلاح طرفداری از هیچ کشور سوسیالیستی میکردیم بعنوان یک حکومت .

سؤال : مثلاً آمریکا را بعنوان یک کشور امپریالیستی از آن اسم نمی بردید؟

آقای دکتر محمدمدی : مطرح نبود، نه، ما فقط چیزی که در کنفراسیون مطرح بود را بطره آمریکا با ایران بود .

سؤال : اینرا چه طوری تشخیص داده بودید؟

آقای دکتر محمدمدی : اینکه ایران یک کشور استعمار زده ای است و تحت استیلای قدرتها خارجی است ولی بحث طبقاتی و اینکه یا از نظر جهانی بیانیم تقسیم بنده کنیم و آمریکارا محکوم کنیم ، نه، فقط میگفتیم دست آمریکا بعلت اینکه این کارها را در ایران میکند و کودتا میکند و غیره، از زاویه سیاسی حمله میکردیم ولی به ماهیت

طبقاتی جامعه آمریکا در کنفرانسیون، با این کاری نداشتیم.

سؤال : توی این کنگره آیا سرمنشور بحث و اختلافی بود ؟

آقای دکتر محمادی : بله اختلافات موجود بود که همه بر طرف شد و چیز عمدہ‌ای واقعاً نبود همین مسائلی که شما میگوئید ممکن بود عنوان بشود یکی از مسائل مثلاً "فرض کنید این بود که چون تندیسی‌های (tendency) مختلفی بسود تمایلات مختلفی بود فرض کنید که عده‌ای میخواستند نوعی چیز بکنند که یکی از مسائلی که در منشور کنفرانسیون وجود داشت این بود؛ استقلال ایران و عدم وابستگی استقلال و عدم وابستگی ایران به هیچ قدرت خارجی .

سؤال : و قبول داشت‌که وابسته هست از لحاظ اقتصادی و سیاسی .

آقای دکتر محمادی : بله اینکه مسلم است برای اینکه اول کودتای ۲۸ مرداد حکومت‌های بعدرا تشريع میکردیم و در این مضمون فرض کنید که خوب‌عده‌ای میگفتند باید به آمریکا حمله کنیم و عده‌ای دیگر میگفتند اگر بخواهید اسم آمریکا را بگذارید باید اسم شوروی را هم بگذارید .

سؤال : ببخشید چه نیروهایی میگفتند باید اسم آمریکارا آورد و چه کسانی می‌گفتند نباید آورد .

آقای دکتر محمادی : فرض کنیدکه نیروهای چپ و یا افراد چپ‌فکر میکردندکه اسم آمریکا باید گفته بشود بصورت اینکه جامعه سرمایه داری و امپریالیستی است بعد بلاعده یک جناحی دیگر میگفت خیلی خوب بنا بر این باید شوروی را هم اسم ببریم .

سؤال : آنوقت این جناح چپی را که میگوئید اینها چه کسانی را در بر میگرفتند چه سازمانی را ؟

آقای دکتر محمادی : در آن زمان بخصوص فعالین جامعه سوسیالیستهای ایران در اروپا بودند و بیشتر جناح چپ‌جبهه ملی که بصورت یک تشکیلات نبودند ولی یک تندیسی چپ داشت .

سؤال : حزب توده اینجا چه کار داشت، کجا بود ؟

آقای دکتر محا مددی : حزب توده هنوز وارد جریان بطور رسمی نشده بود افرادش شرکت میکردند ولی دستوری در آن کنگره اول درمورد نفوذ در کنفرانسیون نداشتند چون در اقلیت هم بسرمیبردند واقعاً "حزب توده" ، هیچ نوع ... بعدها کوشش کردند که خودش را جابه جه و کنفرانسیون را متلاشی کند ولی در آن زمان بعلت اختلافاتی که ایجاد شده بود خود حزب توده در سطح رهبری با مسائلی که در شوروی پیش آمده بود دریک حالت واپس زدنی بود .

سؤال : ممکن است مختصر بگنید برای اینکه بدانیم که چه مسائلی وجود داشته ، چه مسائلی درون حزب توده بود ؟

آقای دکتر محا مددی : حزب توده میگوئید، بعد از شکست ۲۸ مرداد و انتقاداتی که با آن میشد و این حرفها مدت‌ها طول کشید که بتوانند دوباره از خودشان ارزیابی کنند و بگویند که ما اشتباه کردیم و غیره و غیره و بعد همراه با ، البته بعد از اینکه سیاست شوروی بودند ، گاهی نشریاتشان در می‌آمد گاهی در نمی‌آمد روزنامه مردم در اروپای شرقی در آلمان شرقی چاپ میشد بعدها شروع کردند مجله دنیارا منتشر کردند ولی بصورت سیستماتیک نبود مثلاً" در تمام انگلستان شاید یک‌نفر یا دونفر بودند که نشریات حزب توده را پخش میکردند و آنهم بصورت خیلی مخفی .

سؤال : منظورم رابطه اختلاف درون حزب توده هست

آقای دکتر محا مددی : بله درون حزب توده یکی این اختلافات داخلی بود که منشاءش بر میگشت به اینکه آیا حزب توده واقعاً" در جریان نهضت ملی خیانت کرده رهبری حزب توده یا اشتباه کرده، یکی این مسئله بود که عده بسیاری از توده ایها را بعد از مسائلی که اتفاق افتاده بود ، لو رفتن سازمانهای حزب توده بخصوص سازمان نظامی شان و همچنین چیزی که با صلح با رفتاری که عده ای از رهبران حزب توده که دستگیر شده بودند مثل دکتر بهرامی و دکتر یزدی و غیره و غیره انجام داده بودند در ایران ، عده زیادی از جوانهای از حزب توده بیرون کشیده بود و جمعیت زیادی نبودند ولی اختلافاتی که بین خودشان بود با مسئله مطرح شدن با صلح چیزی که خروشچف مطرح کرد و در کنگره ۲۵ بود ، کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی مطرح شده بود، با این میدانید حزب توده همیشه مثل یا لاقل بسیاری از احزاب کمونیست آن دوره از این دوره دنیا را در صد شوروی بود ، بلافاصله اینها شروع کردند به اینکه استالین را بکوبند در حالیکه در روزنامه هایشان کیش شخصیت و غیره، در حالیکه قبل از چنین چیزی نبود و همین مسئله در تمام احزاب کمونیست یک چیزی بوجود

آورده بود که آیا این دنباله روی ها صحیح است یانه و این در حزب توده هم ایجاد شده بود و این مسئله موجب شد که بهر حال انشعابی در حزب توده بنوعی بشود که آن عده‌ای که در چیز بودند، در اروپای شرقی بودند، نوعی عده‌ای دیگر را به بازی نگرفتند که از جمله فروتن و قاسمی وغیره بودند بله، که اینها انشعاب کردندو "بعدا" سازمان انقلابی و به‌اسمه طوفان تشکیل شد از بطن این انشعاب این اختلاف واقعاً با آن مسائل جهانی پیش آمد.

سؤال : پس حزب توده سیاست خاصی بر سرکنفراسیون نداشت، توی این زمان، درست بخاطر همین انشعابی که در کشورهای سوسیالیستی پیش آمده بود ؟

آقای دکتر محا مدی : بله بخاطر انشعاب و بخاطر عدم قدرت، نیروی سیاسی نداشت، نیروی سیاسی جوان دانشجو اصلاً نداشت، خیلی کم داشت.

سؤال : بعد شما فرمودید که یک جناح چپ میخواست موضع محکمی سرآمریکا گرفته بشود جناح دیگر نمیخواست، آن جناح دیگر کی ها بودند ؟

آقای دکتر محا مدی : بودند جناحی که ما با آنها میگفتیم جناح راست جبهه ملی.

سؤال : آنوقت چه کسانی شامل آنها میشدند، چه سازمانهاشی ؟

آقای دکتر محا مدی : سازمان خاصی نبودند بصورت ایندیویوجوالهائی (افرادی) بودند که شاید هم برای خودشان سازمانی نداشتند ولی اینها کسانی بودند که همان دنباله هنوز هم داریم این اشخاص را، هستند دنباله شخصیتی راه می‌افتند.

سؤال : اینها در آن زمان کسانی بودند که موقعیت تاریخی توی جامعه پیدا کردند، بعدها که بتوانند اسم ببرید از آنها از این جناح راست ؟

آقای دکتر محا مدی : بله مرحوم شریعتی که از اینها بودند که نه در کنگره اول ولی در کنگره سوم که شرکت کرده بود در لوزان ما بحث و جدال خیلی با هم داشتیم و گروهی که بصورت افراد دنبال شریعتی میرفتند البته شریعتی اول آدم مذهبی و آن‌نظرکاره بعدها در ایران بود، به آن صورت نبود ولی از نظر من آن زمان که عقایدش را مطرح میکرد در اول کنگره کنفراسیون یک آدم ملی دست راستی بود.

سؤال : تاثیر کنگره اول و این منشور چه بود در سالهای بعد در کنفراسیون ؟

آقای دکتر محمادی : تاثیر منشوری سیار مهم بود من فکر نمیکنم که یعنی واقعاً "بعدها که در فعالیت کنفرانسیون به آن صورت برای اینکه از انگلستان به ایران مراجعت کردم در فعالیتهای کنفرانسیون شرکت نداشتمن چون دانشجو نبودم، هیچ وقت فکر نمیکنم آن منشور را عوض کردند اولاً" منشور یک چیزی اساسی بود .

سؤال : بعداً "عوض شد .

آقای دکتر محمادی : بله عوض شد ولی تاکنگره سوم و بعد منشور عوض نشده بود برای اینکه یک برنامه مشخص و چیزی بود بهر حال این منشور تاثیرش در این بودکه توانست نهضت دانشجویی ، جنبش دانشجویی در خارج از کشور را به یک جنبش همگانی واقعی مبدل بکند و سازمان بدهد .

سؤال : فعالیتهای علمی کنفرانسیون از آن موقع شروع شد ؟

آقای دکتر محمادی : اصلاً "از آن موقع واقعاً" فعالیتهای تشکیلاتی و (Organized) متشکل و ارگانایزه از همان زمان یعنی بلافاصله بعد از کنگره اول کنفرانسیون شروع شد، چون هیئت دبیرانی انتخاب شدند که این هیئت دبیران کارهای مختلف داشتند موظف بودند در جاهای مختلف انجمنهای دانشجویی اگر ممکن است کوشش بکنند که تشکیل بشود یعنی دانشجویان را برانگیزانند که انجمنهای دانشجویی تشکیل بدهند که الزاماً هم جنبه سیاسی نداشته باشد به آن صورت ولی خوب منشور کنفرانسیون را که یک چیز کلی بود قبول بکنند ، بعد هم مسائلی در ایران پیش آمد که باصطلاح هیئت دبیران کنفرانسیون در قبالش مسئول بود و قدرت هم داشت که شروع به فعالیت کرد یعنی اولین تظاهراتی که اتفاق افتاد علیه حکومت ایران برای خواسته های دانشجویی و غیره در انگلستان ، در فرانسه ، بصورت متسلسل، بعد از تشکیل کنفرانسیون بود و باصطلاح کنفرانسیون سازمان داد .

سؤال : آنوقت رابطه کنفرانسیون با سفارت و دولت چطور بود ؟

آقای دکتر محمادی : والله بستگی داشتبه ، رابطه ای که وجود نداشت ولی رابطه بستگی داشت به نوع فعالیتهای سیاسی که انجام شده ، یک وقت تظاهرات براین بود که تظاهرات میکردیم ، باصطلاح میرفتیم فرض کنید جلوی کنسولگری و سفارتخانه میخواستیم سفیر را به بینیم و باصطلاح چیزهایی که داشتیم (رزومه) میخواستیم که آنها را به دولت ایران بفرستد ، به دولت ایران ابلاغ کنند ، یک وقت دیگر تصمیم

می گرفتیم که عرض کنسم برویم درکنسولگری متحصن بشویم.

سؤال : منظورم اینست که سفارت و خود دولت چه برخوردي باکنفراسیون داشت .

آقای دکتر محمادی : ابتدا هیچ ، ابتدا اصلاً تجاهل میکردند که چنین چیزی وجود ندارد و چیزی که به رسمیت ، یکی از کوشش‌های ما این بود که بگوئیم این چنین سازمانی وجود دارد و این سازمان همراه با سازمان دانشجویان ایران هردوی آنها باید چیز بشود ، باید برسمیت شناخته شود از نظر دولت ایران و حتی ما میخواستیم تمام مسائل دانشجویان در خارج از کشور با نظر کنفراسیون حل و فصل بشود ولی خوب آنها که باصطلاح در این مورد زیربا حرف مانمیرفتند و این تقاضای مارا چیز نمیگذاشتند آنها اول کوشش میکردند که تجاهل بگذارند که آنها زمینه این بود که بین کنفراسیون نفوذ بگذارند افرادی را بفرستند که آنها بیایند و قدرت را باصطلاح بگیرند و یا اینکه میخواستند مارا بخرند بنوعی، بصورت خیلی رسمی .

سؤال : ممکن است توضیح بدھید منظورتان " میخواستند مارا بخرند " چیست ؟

آقای دکتر محمادی : فرض بفرمایید که وقتی که اردشیر زاهدی شد سفیر ایران در انگلستان شنید که کنفراسیونی است فدراسیون دانشجویان ایرانی در انگلیس هست، دعوت بعمل آورد از دبیران فدراسیون که بروندوایشان را ببینند راجع به خواسته هایشان ، دبیران تشکیل جلسه دادند و گفتند که نه ما کاری به اردشیر زاهدی نداریم و خواسته ای نداریم که به ایشان بدهیم فقط اگرما (Demand) یا خواسته ای داشته باشیم از دولت ایران است که مستقیم میفرستیم بعد ایشان یک چکی فرستاد که در حدود یادم نیست ۱۰۰۰ پوند بود نه ۱۰۰۵ پوند نبود ، ۲۰۰ پوند بود که برای جشن عید و مخارج فدراسیون که ما آن چک را عیناً متسافنه کاربدهی کردیم پس فرستادیم یعنی نه اینکه چک را کار خوبی میکردیم خرج میکردیم، ولی میتوانستیم یک پابلیسیتی (Publicity) دنیاگیری از آن بسازیم ولی نکردیم این کار را یعنی هیئت دبیران فدراسیون تصمیم گرفت که پس بفرستیم بدین ترتیب میخواستند نفوذ بگذارند چون از ابتدا همین نکته را بگوییم در همه سازمانهای دانشجویی افراد طرفدار دولت ایران ، افراد صمیمی اینها هم می‌مدند و در سازمان دانشجویی بروی کسی بسته نبود اما بعد کوشش آنها برای این بود که نفوذ بپیدا کنند بنوعی و یا اینکه بخرند و یا اخلال بگذارند مثلاً " مجله ای منتشر شده بود ارگان کنفراسیون نبود ارگان انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه بود . مجله بسیار خوبی بود به اسم " نامه پارسی " و این " نامه پارسی " را در فرانسه آن زمان اینطور بود که باید

یک مجله این چنینی باید امتیاز رسمی به اصطلاح از دولت فرانسه داشته باشد و یک آقایی به اسم علی اصغر حریری که دانشجو هم نبود این امتیاز را گرفته بود و در اختیار دانشجویان گذاشته بود و هم زمان با تشکیل کنفراسیون جهانگیر تفضلی شده بود با اصطلاح سفیر سیار دولت ایران ذر مورد امور دانشجویی در اروپا وایشان به اروپا آمده بود و در فرانسه یک خانه ایران هم تشکیل داده بود با پسول خیلی زیاد و روزنامه "ایران ما" منتشر میکرد و این روزنامه "ایران ما" نوعی درحقیقت برای این بود که فعالیتها کنفراسیون و فدراسیونها مختلف را خوشی بکند و تمام کوشش در این جهت قضیه بود و همین جهانگیر تفضلی بارها خواست که کنفراسیون را بنوعی بخرد و وقتی نشد که با تمام کوششی که داشت توانست جلوی انتشار این مجله "نامه پارسی" را بگیرد . که البته "نامه پارسی" نوع دیگر با ارگانهای کنفراسیون و اینها بعدها درآمد بصورتها دیگر یعنی به اسمهای دیگر و فلان ولی این امتیاز را سلب کرد دولت فرانسه و هرچه بود من دقیقاً "چیزش را نمیدانم یعنی خاطرم هم نیست ولی نوعی مانع شده این مجله ادامه پیدا کند .

سؤال : آیا دولت سعی میکرد که در مقابل کنفراسیون سازمانی مستقل ووابسته بخودش تشکیل بدهد .

آقای دکتر م Hammond : نه در آن زمان ، نه این بعداز اینکه تمام به حساب برنا مههای که داشتند یعنی در آن زمان هنوز کنفراسیون خطری نبود بعداز کنگره سوم که به اصطلاح کنفراسیون دوباره یکپارچه شد و متعدد شد و بعد مسائل دانشجویی یعنی این درست بعداز ۲۸ مرداد بود ببخشید ۱۵ خرداد ۴۲ و خفغان دوباره در ایران شدت پیدا میکرد و واقعاً دیگر سازمان امنیت داشت اوج میگرفت نضج میگرفت و در آن زمان از سال ۶۴ بعد اینها شروع کردند به انجمانهای دانشجویی درست کردن ، در مقابل انجمانهای دانشجویی که کنفراسیون درست کرده بود ولی بیش از آن زمان نه واقعاً کوشش این بود که از داخل اگر میشود خراب بکنند مثلاً

سؤال : ادامه رشد کنفراسیون بین کنگره او چطور بود و کنگره ۲ را اگر بشود توضیح بدھید ؟

آقای دکتر M Hammond : مقدار فعالیتهایی که در فاصله بین کنگره ۱ و ۲ شد اجازه بدهید که اول توضیح بدهم که فعالیتهای بسیار درخشانی بود نسبت به بقیه قضاای این فعالیتهای بعدی که میشد در عرض این یکسال : تظاهرات بسیاری در انگلستان لاقლانجام شد در رابطه با مسائل مختلفی که بوجود میآمد و شخصیت‌های زیادی بازدرا

انگلیس و همچنین در جاهای دیگر اروپا و جلسات سخنرانی و نشریات بسیاری و گرد هم آئی های زیاد و یعنی از نظر اینکه جنبش دانشجویی را شناختند و همچنین سربازگیری بکنند و دانشجویان را از آن حالت پوچی و اینکه بر هیچ جا وابستگی نداشته باشند را در بیاورند خیلی مثمر ثمر بود و خیلی زیاد در عرض یکسال اول فعالیت شد.

سؤال : ببخشید میگوئید سرباز گیری ممکن است توضیح بدهید که فعالیت کنفراسیون چگونه دانشجویان را به کنفراسیون جلب میگردند ؟

آقای دکتر محمدی : "ضمنا" ، با برگزاری جلساتی که داشتیم ، "ممولا" جلسات سخنرانی بود راجع به مسائل مختلف علمی یا اجتماعی این را تبلیغ میکردیم و دانشجویان زیاد میآمدند و همانجا از آنها میخواستیم عضو بشوند خیلی زیاد شان میشدند وعلاوه بر این جشنهاشی که برگزار میکردیم مثل جشن عید ، عده زیادی میآمدند و حتی در لندن سالها جشن عید ، فقط جشنی بودکه فدراسیون میداد حتی سفارتی ها میآمدند با اینکه خیلی هم تندد بود که این آخر سر واقعا "جنبه سیاسی" پیدا کرده بود که ما مور هم میآمد ولی جشن دیگری جرئت نمیکردند در مقابل آن درست بکنند چون نمیشد و بعدها اینها نشیرانی بود که بیرون میآمد و کوشش میکردیم به همه دانشجویان ، دانش آموزان که می شناختیم و یا آدرسشان را داشتیم بفرستیم وهمه در تظاهرات ، بهرحال میآمدند و حتی تظاهراتی اعلام میشد عده زیادی را جلب میکرد که وارد صفت تظاهرات بشوند ، میآمدند و به این ترتیب دانشجویان با صلاح یک چیزی ، شخصیت اجتماعی پیدا میکردند.

سؤال : در آن زمان شعارهایی که همیشه توی تظاهرات داده میشد چه ها بودند ، چه شعارهایی بودند ؟

آقای دکتر محمدی : همین مسئله علیه استبداد.

سؤال : سالهای بعد شعارهایی مثل مرگ برشاه و به انگلیس و U.S.Imperialism Down with اینها خیلی رواج داشت در تظاهرات در آن زمان این شعارها داده میشد ؟

آقای دکتر محمدی : بهبیچوجه ، نه خیر من فکر میکنم این شعارها از سال ۷۰ ببعد شروع شد از ۷۱ - ۷۲ ببعد شروع شد آن موقع هم فکر نمیکنم که این وجود داشت یا در سالهای ۷۰ ، یعنی بعد از شکست اولین چیزهای مسلحه در ایران ، جنبش های

مسلحانه در ایران، که مسئله بعداز سال ۵۰ مسئله سازمان امنیت و جشنهاشی شاهنشاهی وغیره واينها هم همزمانش اتفاق افتاده بود یا يک خرده بعداز آن بعد ، بعداً " سازمان امنیت خیلی قدرت پیدا کرده بودواين شعارهای آن موقع ها خیلی محافظه کاراند، حتی گروههای چپ هم درمورد کنفراسیون خیلی محافظه کارانه رفتار میکردند علت قضیه هم این بود که در درجه اول ما نیروی دانشجویی مان را از دست میدادیم اگر این کار را میکردیم چون عده زیادی از دانشجویان که در کنفراسیون بودند آدمهای سیاسی بهیچوجه نبودند ، یعنی ایدئولوژی خاصی را نداشتند وهمین کافی بود که با شعارهای تند ، نیروی مان را از دست بدھیم و دوماً " آن کار را میتوانستیم اگر لازم بود و به عهده ، سازمان های سیاسی بودکه بصورت مخفیانه فعالیت میکردند .

سوال : از نشريات کنفرانسيون اسم برديد چه نشرياتی ارگانهای رسمي کنفرانسيون بودند؟

آقای دکتر محا مددی : "نامه" پارسی همچنین که گفتم در فرانسه انتشار پیدا میکرد
برای مدتی ، مجله "پژوهش" بود در انگلستان بعد "پیوند" بود و بعد "پگاه" بود که
اول در منچستر در می آمد بعد در چیز ، بعد در انجمنهای دانشجویی مختلف جملات
ویسا نشریات مختلف داشتند و این نشریات بعضی ها شان مثل جمله "پژوهش" یا "نامه"
پارسی "هم مقالات ادبی ، اجتماعی و غیره داشت بقیه فقط جنبه های خبری و اینها
داشت و همراه با حاد بودن مسائل تعداد نشریات زیادتر یا کمتر میشد ، متاسفانه
مثل اینکه اغلب این نشریات چون کتابخانه ها جمع نمیکردند و افراد هم بعلت نقل
ومکانهای مختلف که میکردند این نشریات را جمع نکردند و حیف است واقعاً "اگر
میشد سری لااقل بعضی از این نشریات را پیدا کرد ، بسیار جالب است هم برای مطالعه
جنیش دانشجویی ایران وهم جنبش سیاسی ایرانیان خارج از کشور .

سوال : آنوقت یک چیزی که همیشه مورد بحث قرار میگیرد بودجه این نشریات هست که نشریات زیاد بودجه احتیاج دارد پول کنفرانسیون برای این نشریات و فعالیتها باش از کجا میآمد؟

آقای دکتر م Hammond : کنفرانسیون ، تمام مخارجی که انجمنهای دانشجویی ، اولاً کنفرانسیون یک تشکیلات جدائی نبود بلکه کنفرانسیون معمولاً در سه ، چهار ، مثل اینکه بعدها هم همینطور بود ، در آن سه چهار سال اول کوشش میشد که تمام موظای بحث اب عملکرد کنفرانسیون بدست یک سازمان دانشجویی یک کشور داده شود؛ مثلاً

یکسال فدراسیون انگلیس مسئول این کار بود یکسال فرانسه مسئول این کار بود
بنابراین خودش عمل خاصی یا دفتر خاصی نداشت که بودجه‌ای اما هریک از این
انجمنهای دانشجویی هم محل درآمدشان فقط و فقط از حق عضویت بود ، از کمکهایی
که از افراد میگرفتند، فعالیت‌های میدادند در موقع بخصوص و منبع اصلی درآمد هم
فروش نشریات بود ، منبع اصلی درآمد هم جشن‌های مختلف و بخصوص جشن عیدبودکه پول
خوبی درمی‌آورد در انگلستان شاید یک جشن را من یادم است در حدود ۱۰۰۰ پوند
درآورده که ۱۰۰۰ پوند خرج یکسال فدراسیون و کنفرانسیون را داد و بیشتر از آن نمی‌
شد و هیچ نوع کمک مالی از هیچ گروه و از هیچ دسته و از هیچ فرد خاصی غیردانشجو
بهیچوجه من الوجه، در تمام مدتی که من فعال در کنفرانسیون بودم و فکری کنم
بعد از آنهم ، دریافت نمیشد همه‌ما دانشجویان خود من ۴۵ پوند از مادرم برایم
میرسید این ۴۵ پوند را البته دانشگاه لندن هیچ نوع چیزی نداشت یعنی خیلی کم
بود تیوشن (Tuition) بنابراین خرج غذا می‌بود ، از خرج کتابم و
غذا احیاناً " میزدم هر وقت لازم بود و سفر میکردم برای کنفرانسیون با خرج خودم و
هیچ وقت نمی‌آمد کسی به من بليط بدهد مثلما" ، هیچ وقت ، بقیه هم به همچنین.

سؤال : آنوقت وقایع مهمی که توی این دوره پیش‌آمد و کمک کرد به رشد کنفرانسیون
و درگیری دانشجویان در کنفرانسیون چه ها بودند ؟

آقای دکتر محا مدی : این درست ، تشکیل کنفرانسیون مقابله مسائلی بود که در
ایران مطرح شده بود همینطور که قبله" گفتم دولت اقبال افتاد و دولت شریف امامی
برای یک مدت کمی جانشین آن شد و بنی‌آقا بعد در همین زمان بود که نهضت ملی
ایران، جبهه ملی دوم، در ایران دوباره شروع به فعالیت کرد تظاهرات خیلی وسیعی در
ایران انجام شد که شاه مجبور شد اصلاً خودش اعلام بکنده انتخابات مجلس آزاد است
و روی همین جهت هم بود که مرحوم الیهیار صالح بلافاصله خودش را کاندید کاشان
کرد ولی اصلاً از کاندیدا شدنش جلوگیری کردند بلافاصله والبته اختلافاتی بود که
در سیاست آمریکا به چشم میخورد و همینطور که گفتم آمریکا دیگر حاضر نبود به ایران
کمک مالی بکند برای اینکه تمام پولی که کمک کرده بود نوعی ارز برگشته بود به
حسابهای خصوصی در خارج و دولت ایران ورشکسته بود بطور کلی از نظر اقتصادی و همه
اینها منجر شد که برای مدتی شاه عقب‌نشینی بکند و آدمی مثل امینی با یک کابینه
رفرمیست روی کار بیاید و همزمان با این بود تشکیل کنفرانسیون و فعالیت‌هایی
کنفرانسیون برای همین فعالیت زیادی از همان ابتدا و بعدش کرد ، فعالیت‌هایی که
کنفرانسیون در همان سال اول کرد مسئله تظاهراتی بود که انجام داد برای همین
انتخابات ، انتخابات آزاد در ایران ، برای زندانیان سیاسی که مرتب میگرفتند در

ایران ، بعلت تظاهراتی که در ایران میشد . و مسائلی از این قبیل و همین خواستن حقوق دمکراتیک برای مردم ایران بطورکلی و بعد همراه با این، دنباله این مسئله پیش آمد که دو تا از فعالیین ، دانشجویان ایرانی در آمریکا از تمدید گذرنا مه شان، اردشیرزا هدی در آمریکا خودداری میکند.

سؤال : ببخشید در این زمان کنفراسیون با سازمان آمریکا هنوز یکی نشده بود ؟

آقای دکتر محا مددی : نه ولی با همکاری چیز داشتند، هنوز با صلاح سازمان آمریکا فرصتی نشده بود که به کنفراسیون بپیوندد ولی همکاری نزدیک داشتند و تظاهرات خیلی زیادی کنفراسیون برای این مسئله برپا کرد برای این عدم تمدید گذرنا مه دانشجویان ایرانی .

سؤال : که کی ها بودند اینها ؟

آقای دکتر محا مددی : که مرحوم قطبزاده بود و شامسین فاطمی و این تظاهرات و همچنین تحصن در انگلستان لاقل، و سفارت و کنسولگری ایران را با رها گرفتیم یعنی متحضن شدیم در آن که پلیس انگلستان مارا بیرون میکرد و دو سه بارهم به دادگاه رفتیم برای اینکه توی پیاده رو می نشستیم و بلند نمیشدیم و مارا دستگیر میکردند میبردند دادگاه، دوباره فردا می آمدیم و برای ۱۵ روز ، سه هفته این کار را ادامه میدادیم و همین اولا" یک تعدادی دانشجویان ایران را جلب میکرد و یک چیزی بود این اخبار، مرتب با ایران در تماس بودیم و دلگرمی به دانشجویان ایرانی میداد همین طور سازمانهای سیاسی در ایران و همچنین از نظر معیار پابلیک (Public) (خودکشورها مثلًا" در انگلستان که زیاد راجع به ایران چیزی نمی داشتند بعد از کودتای ۲۸ مرداد و مسئله نفت، دو مرتبه یک مسئله ای شروع شده بود و توی خیابان تظاهر میکردیم و عرض کنم که با پلاکارد که در ایران آزادی نیست و یا فرض کنید مرگ برکلوبنیالیسم یا مرگ بر امپریالیسم هم میگفتیم ولی نمیگفتیم امیرپابلیک آمریکا و اینها موجب میشد که با صلاح مردم انگلیس با وضع ایران آشناشی بیشتر پیدا کنند، با سازمانهای سیاسی مختلف دانشجویی جهانی و کشورهای مختلف کشورهای سوم تماس میگرفتیم، توی کنگره های بعدی مثلًا" کنگره، سوم ما شاید در حدود ۲۵ پیام از سازمانهای دانشجویی کشورهای مختلف داشتیم که نمایندگانشان را یا فرستاده بودند یا خودشان آمده بودند و خواندند و اینها موجب میشد که دنیا را آگاه کنیم برآنچه که در ایران میروود در ضمن یک پشتونانه ای هم بود با صلاح برای جنبش ایران که در حال شکل گیری بود، ادامه داشت پیدا میکرد دو مرتبه رو آمد.

سؤال : صحبت از سازمانهای دانشجویی بین المللی گردید در این زمان همین اتفاقی که در ایران داشت میباشد که دانشجویان داشتند مشکل میشند، کنفراسیونی به وجود آمده بود، در سازمانهای که هم در کشورهای خارج مثل انگلیس و فرانسه، همچنین چیزی هم آیا بین دانشجویان آن کشورها هم به چشم میخورد؟

آقای دکتر محمدی : یعنی سازمان دانشجویی؟

سؤال : بله

آقای دکتر محمدی : بله بله

سؤال : که سیاسی باشند

آقای دکتر محمدی : بله ، بله سازمان دانشجویی داشتند که بله سیاسی هم نوعی بودند البته آنها که ما با آنها تماس داشتیم همه سازمان دانشجویی متفرقی بودند یا آنها که سازمان دانشجویی مسیحی بودند و بعد اینها "ممولا" نشانال، چیز هم دارند باصطلاح فدریشن (national Federation) و فلان هم هست که آنها هم بیشتر یا لاقل آن هیئتی که میگردانند آنها را، خواسته ایشان متفرقی بودو از ما پشتیبانی میکرند البته دو سازمان جهانی بودند که من اسمهایشان را الان یاد نمیستم ، یکی سازمانی بود که کشورهای غربی را باصطلاح معرفی میکرد و دیگری هم کشورهای شرقی و شوروی را ، بعدها جداول در پیوستن کنفراسیون به یکی از این دو سازمان یا هردو سازمان بود.

سؤال : آیا هیچ وقت پیوست به یکی از ایندو؟

آقای دکتر محمدی : تا آن زمانی که من بودم نه ، آخرین سال قرار براین شد یعنی در کنگره سوم پس از جدالهای بسیار قرار براین شد که راجع به هردو مطالعه بیشتو بشود و پس از آن من دیگر نمیدانم که عضویت این دو سازمان را ، و هردوی سازمانها هم علاقمند بودند که باصطلاح کنفراسیون را عضو خودشان بنند منتهی این حالت وحشت وجود داشت یعنی دو دستگی در کنفراسیون که یک عدد ای فکر میکردند آن سازمانی که کشورهای شرقی را باصطلاح معرفی میکند، یعنی انجمنهای دانشجویی کشورهای شرقی را معرفی میکند، در دست شوروی است و بلوک شرق است و باصطلاح این یکی هم عامل آمریکا است یا سی آی ای و از این جهت "ممولا" پیشنهاد میشده

به یکی از این دو تا چیز بشود ، کنفراداسیون بپیوندد که بتواند امکانات بیشتر داشته باشد اولی خوب بازنظریاتی بود که مخالفت میکرد به پیوستن به هرکدام از این دو تا . بنابراین در آخرین بار تصمیم گرفته شد که راجع به این مسئله مطالعه بیشتری بشود و بعد من تفہمیدم که هرگز شدند عضو این سازمان بانه .

سؤال : درمورد فعالیتهاي کنفراداسیون صحبت میکردیم خواهش میکنم ادامه بدھیم تا کنگره دوم، میخواستید برسید به کنگره دوم .

آقای دکتر حمامی : بله یک مقدار زیادی دیگر از تظاهراتی که انجام شده تظاهراتی بودکه بر علیه دولت امینی شد که میدانید دولت امینی وقتی سرکار آمده مانطور که گفتمن یک مقدار آزادی داد بدلیل اینکه با صلاح میخواست استفاده ای بکند که بتواند در مقابل جناح راست تر هیئت حاکمه و شاه تا اندازه ای بایستد و همه امکانات را هم داشت یعنی آمریکا هم پشتیبانی میکرد بدلیل اینکه بصورت یک دولت رفرمیستی روی کار آمده بود که جلوی با صلاح فساد ، و غیسره و ورشکستگی اقتصادی را بگیرد و امینی آمده بود به اروپا و انگلستان که تقاضای کمک بکند وهمه جا هم اعلام کرده بود که دولت جزو ... منتها در این زمینه چون ملیون ایران و نهضت ملی ایران واقعا " برنامه نداشت و آنها هم بجای اینکه خودشان را متشكل بکنند، بدون اینکه هنوز متشكل شده باشند در مقابل امینی ایستاده بودند درنتیجه امینی مجبور بود که آنها را هم بکوید برای اینکه خودش را بتوانند نگه دارد دولت امینی، و در این حالت ما هم علیه امینی تظاهرات میکردیم و تظاهرات خیلی وسیعی هم بود علیه امینی و امینی البته میخواست که نمایندگان کنفراداسیون را ببیند که مـا نـیـذـیرـفـتـیـم و یـکـیـ اـزـ اـفـرـادـ کـنـفـرـادـاسـیـوـنـ مـلاـقـاتـ شـخـصـیـ باـ اوـ کـرـدـهـ بـودـ بـدونـ اـجـازـهـ کـنـفـرـادـاسـیـوـنـ کـهـ اـخـراـجـ کـرـدـیـمـ وـ کـنـفـرـادـاسـیـوـنـ تـصـمـیـمـ گـرفـتـ کـهـ اـخـراـجـ بـکـنـداـورـاـ ،ـ ولـیـ نـهـ الـبـتـهـ اـزـ کـنـفـرـادـاسـیـوـنـ ،ـ اـزـ رـهـبـرـیـ وـ الـبـتـهـ اوـ دـیـگـرـ نـیـامـ درـکـنـفـرـادـاسـیـوـنـ ولـیـ بـهـرـحالـ اـیـنـ تـظـاهـرـاتـ هـمـ بـودـ کـهـ باـزـ بـیـشـترـ آـنـ مـسـئـلـهـ اـیـرانـ رـاـ مـطـرحـ مـیـکـرـدـ البـتـهـ بـعـضـیـ وـقـتـهاـ هـمـ مـیـگـفـتـندـ کـهـ دـیـگـرـ شـورـشـ درـآـمـدـهـ وـمـرـدـ هـمـ نـارـاضـیـ بـودـنـدـ پـلـیـسـ وـایـنـهاـ خـیـلـیـ دـیـگـرـ نـارـاضـیـ بـچـشمـ مـیـخـورـدـنـ وـ دـنـبـالـ هـمـ بـودـنـدـ کـهـ مـاـچـهـ مـیـکـنـیـمـ وـکـجاـ مـیـرـوـیـمـ بـهـ تـظـاهـرـاتـ دـارـیـمـ یـاـ نـدارـیـمـ چـونـ مـوـجـبـ سـلـبـ آـسـایـشـ مـرـدـ عـادـیـ شـدـهـ بـوـدـیـمـ وـلـیـ اـیـنـ فـعـالـیـتـهاـ بـطـورـکـلـیـ درـسـالـ اـوـلـ وـ سـالـ دـوـمـ وـجـودـ دـاشـتـهـ

سؤال : آنوقت اهمیت تشکیل خود کنگره دوم ، مشخصاتش را، و یزگی هایش را توضیح بدھید .

آقای دکتر حمامی : عرض کنم کنگره دوم در پاریس تشکیل شد که البته مفصلتر از

کنگره، اول بود ولی متسافانه من نبودم آنجا، علت برگشتنم این بود که باید خودم خرج خودم را میدادم و برایم امكان نداشت که به این سفر بروم، بنابراین نرفتم ولی تا آنجائی که آگاه شدم کنگره، دوم متسافانه زیاد موفقیت آمیزبود بدین دلیل که یک تقریبا " دوستگی درکنفراسیون ایجاد شد در همین زمان بود که با صلح عوامل دولت ایران سعی میکردند کنفراسیون را از هم پیاشاند از داخل، بنابراین عده زیادی در این کنگره شرکت کرده بودند و اختلافی که ایجاد شده بود بر سر مسائل مختلف یک عده ای وهمچنین حزب توده، حزب توده هم از این زمان میخواست دخلالت بکند و دخالت‌شهم بنوعی بود که میخواست حزب توده "عمولاً" یعنی با صلح کنفراسیون شعبه‌ای بشود از حزب توده، به این صورت فعالیت میکرد بنابراین عده‌ای از کنفراسیون یعنی از جلسه، کنفراسیون آمده بودند بیرون و درنتیجه در عرض یکسال بعد دوکنفراسیون وجود داشت یعنی دوهیت اجراییه لااقل یکی آن هیئت اجراییه قبلی بود و هیئت دبیران قبلی بود که آمده بودند بیرون و از انگلیس بودند و یکی دیگر هم کسانی که جدیداً "انتخاب شده بودند با باقیمانده کنفراسیون، عده ای از جناح چپ کنفراسیون بهر حال آمده بودند دنبال به اصطلاح بیرون و جناح راست باقیمانده بودند درکنفراسیون.

سؤال : خوب این خیلی سوال بوجود آمده اینجا، یکی اینکه گفتید دولت سعی کرده بود که رخنه بکند، چطوری سعی کرد که رخنه بکند ؟

آقای دکتر محمدمدی : بوسیله فرستادن افراد می دانیم، کنترل افراد بسیار مشکل بود، ما این مشکل را حتی در سال سوم هم داشتیم افراد می‌امند و می‌گفتند مانما ینده سازمان دانشجویان فلانجا هستیم بخصوص در کشورهایی که فدراسیون نداشتند مثل اتریش و آلمان، آلمان بعدها ایجاد کردند ولی اتریش وایتالیا و بعد دوسته مختلف می‌امند، دو عده مختلف و این دو عده هردو می‌گفتند که ما تماینده سازمان مثل "شهرخ هستیم و توی این عده، این اولاً" برای کنفراسیون خیلی مشکل بود رسیدگی به اینها که کدامیک از اینها نماینده واقعی انجمن دانشجویی هست یا نیست و توی این عده ما مورهای دولتی بودند که می‌امند و شرکت میکردند.

سؤال : از کجا شما می‌فهمیدید که اینها ما مورین دولت هستند.

آقای دکتر محمدمدی : از نوع خرابکاری که میخواستند بکنند بدون اینکه هیچوقت مدرکی دست مابینا یابد ولی با آنها شک میکردیم که اینها دانشجویانی هستند که رسما"

بآنها پول داده شده که بیایند و اخلال بکنند

سؤال : به چه شکلی اینها اخلال میکردند که شما مشکوک میشیدید بآنها ؟

آقای دکتر محا مددی : چیزهای را مطرح میکردند که یا چپ روی میکردند که مطرح نبود ، یا راست روی میکردند که باز مطرح نبود ، سر مسائلی که ، مسائل باصطلاح فرض کنید که روتین حتی کنفرانسیون ، و بعد تهدید میکردند به اینکه با یک عده ای میرفتند بیرون ، از این جو رکارها ، کارهایی که میدانید تعداد اینها هم زیادتر میشد ، پیدا بود که دولت مشغول بود و همین آقای تفضلی که قبلاً "عرض کردم پول زیادی در اختیار داشتم لزومی نداشت اینها از ایران پول بگیرند مستقیم از خود تفضلی ، تفضلی مرتب در اروپا سفر میکرد و عده ای را میتوانست بآنها پول بدهد که در این کارها شرکت بکنند .

سؤال : تفضلی که

آقای دکتر محا مددی : سفیر سیار شاهنشاه آریا مهر در اروپا بود ، بله .

سؤال : آنوقت از حزب توده اسم برده بود ، حزب توده چگونه رخنه میکرد و یا اخلالگری میکرد ، نماینده داشت .

آقای دکتر محا مددی : حزب توده هم بله دیگر ، از سازمانهای دانشجویی که اکثرینشان را نمایندگان به رحال مثلًا" فرض کنید توده ای انتخاب میشدند بنوعی .

سؤال : ولی خوب اینها همه آشکار توده ای بودند میگفتند ما عضو حزب توده هستیم .

آقای دکتر محا مددی : نه ، نه ، نه از نوع کاری که میکردند کاملاً "پیدا بود که توده ای هستند و اینها هم کوشش میکردند که بحساب کنفرانسیون را از بین ببرند با چیزهایی که پیشنهاد میکردند .

سؤال : چرا فکر میکنید که میخواستند کنفرانسیون را از بین ببرند ؟

آقای دکتر محا مددی : بدليل اینکه همانطور که عرض کردم حزب توده همیشه عقیده داشت که باید یک سازمان سیاسی برای خودش داشته باشد یعنی اگر قرار بود کنفرانسیون

باشد، یک کنفراسیون باید باشد که رهبریش صدرصد دست حزب توده باشد و اگر نمیشد بنا براین باید از بین ببرندنش.

سؤال : از سال ۱۹۶۰ تا ۶۲ هست که این کنگره تشکیل میشد؟

آقای دکتر محا مددی : کنگره دوم بله ۱۳۶۲

سؤال : چه تغییری در سیاست حزب توده در مورد دانشجویان خارج از کشور دیدید.

آقای دکتر محا مددی : از کی؟

سؤال : از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ یعنی دو کنگره

آقای دکتر محا مددی : تغییر این است که حزب توده فعال شده بود

سؤال : یعنی سیاست مشخص پیدا کرده بود.

آقای دکتر محا مددی : بله سیاست مشخص و شروع کرده بود اولاً حمله به کنفراسیون نوعی در روزنامه مردم و غیره.

سؤال : پس تا ۱۹۶۲ حزب توده هنوز سیاستش این نبود که کنفراسیون بوجود بیاید.

آقای دکتر محا مددی : در این زمان وقتی که کنفراسیون تشکیل شدو همراه با کنفراسیون و پیش از کنفراسیون هم سازمانهای سیاسی شروع کرده بودند به فعالیت بنا براین حزب توده هم فعالیتش را ارگانیز کرده بود، مرتب شده بود بنا براین وقتی یک سازمان سیاسی، صنفی ای مثل کنفراسیون وجود دارد حزب توده هم باید دخالت میکرد دیگر بعنوان یک قدرت بنا براین شروع کرده بود به دخالت کردن به اینصورت که در انجمن های دانشجویی دخالت میکرد و بعد اگر اعضا یاش میتوانستند میاندگی پیدا بکنند آن نماینده ها می‌آمدند به حساب در کنگره ها.

سؤال : منظورم از سوالی که میکنم اینست که یک موقعی حزب توده سیاست اصلاندارد که بنظر میرسد دوران اول بخاطر اختلافاتی که درونش بود به آن صورت درگیر نبود.

آقای دکتر محا مددی : بله

سؤال : دوران بعد دو تا امکان در مقابلش قرار میگیرد، یا باید درون کنفراسیون

بیشتر هوا داری بطرف خودش جلب بکند و به یک نحوی سیاستها یش را از طریق کنفراسیون جلو ببرد و یا اینکه به "دفعش اصلاً" نبود وجود کنفراسیون سعی کند اخلالگری بکند، از بینش ببردو سعی کند یک سازمان جوانان وابسته بخودش بوجود بیاورد.

آقای دکتر محاجی : عرض کنم که حزب توده قدرت آن چنانی نداشت قادرتش فقط، قدرت انفرادی بود، عضوی نداشت که بتواند این کار را بکند یعنی نمیتوانست کنفراسیون را از بین ببرد و نمیتوانست در مقابله هم قدرت باز چیز نداشت که یک انجمن دانشجویی دریک شهر حتی صدرصد توده ای ایجاد بکند، بنابراین تنها کاری که کرد و میتوانست بکند این بود که کوشش بکند که فعال مایشاء بشود در کنفراسیون وقتی نمیتوانست به این نتیجه برسد میخواست آنرا داغان بکند، این سیاستش بود.

سؤال : آنوقت چگونه در این کنگره سعی کرد این کار را پیش ببرد ؟

آقای دکتر محاجی : در کنگره دوم من همانطور که گفتم مطمئن نیستم چون نبودم و این جریانا تی نبود که نوشته بشودو به رحال بودند آنجا که، توده ای هائی بودند که پافشاری میکردند روی بعضی از مسائلی که خیلی مختصر در همان اوائل تشکیل کنگره هم بهم خورده بود مثل اینکه فرض کنید که فلان دسته، فلان دونفر، نماینده دانشجویان مثلًا، نماینده‌گان دانشجویان شهر ایتالیا هستند یا نه ؟

سؤال : یعنی منظورتان رسیدگی به اعتبارنامه های کنگره بود.

آقای دکتر محاجی : در همان مسائل نوعی اخلال میکرد که این پاشیده بشود از هم عده ای بروند بیرون یا مثلًا خودشان میگفتند اگر اینکار را نکنید مثلًا ۵ نفر بودند ما میرویم بیرون یک همچنین حالتی، هنوز به مسائل حاد هنوز نرسیده بود.

سؤال : آیا در آن زمان انشاعاب درون حزب توده صورت گرفته بود ؟ مثلًا سازمان انقلابی حزب توده بوجود آمده بود ؟

آقای دکتر محاجی : انشاعاب مثل اینکه صورت گرفته بودولی هنوز سازمان بوجود نیامده بود چون من یادم می‌آید درست بعد از کنگره که در سال اواخر ۱۴ و اوایل ۱۵ بود بعد یواش یواش افراد حزب توده که آدمهای بسیار خوبی هم بودند انتلکچوالهایی (روشنفکران) که در اروپا بودند آنها ای که بیرون آمده بودند همسن و سال من، ما با هم گفتگوهای زیادی داشتیم و اینها پیش از کنگره سوم بود

یعنی همان زمانهای بود که داشت شروع میشد یعنی فکر میکنم این فعالیتهای بعدی من دقیقاً " تاریخ را یاد نیست ولی از سال ۱۳۶۴ بعد شروع شد این با صلح بحساب دو تشكیلات جدا توفان واین چیز ، آن چیز ، آن موقع به حساب این سرخوردگی بود و افراد بودند و اگر این افراد بودند که از حزب توده بیرون آمده بودند اینها معمولاً" با جامعه سوسیالیستها همکاری میکردند نه اینکه همکاری رسمی حزبی، نه چون جامعه سوسیالیستها منطقی تر در کنفراسیون عمل میکرد میخواست این بالا نس حفظ بشود از هم پاشیده نشود معمولاً" دنبال این منطق میرفت یعنی بیشتر با همیگر تفهم داشتند آن افراد و بعد از سال ۱۳۶۴ فکر میکنم این سازمانهای توفان و چیز بوجود آمده بوده .

سؤال : سازمان انقلابی ؟

آقای دکتر محا مدی : بله

سؤال : پس مشخص چه مسائلی موجب انشاعاب کنفراسیون در کنگره دوم شد مسئله سیاسی مشخصی ای نبود تشكیلاتی بود ؟

آقای دکتر محا مدی : همان اختلافات تشكیلاتی بود که در روز اول ظاهر شد البته عده ای هم دست راستی های بودند ظاهراً" که برای اخلال آمده بودند .

سؤال : دست راستی ها منظور ؟

آقای دکتر محا مدی : دست راستی های که با صلح خودشان را جزو نهضت ملی اعلام میکردند یعنی جبهه ملی اعلام میکردند ولی واقعاً" هم رابطه تشكیلاتی با جبهه ملی نداشتند و اینها فرض کنید که کوچکترین مسائلی که پیش میآمد یافردى را که می شناختند چی است با و مارک توده ای میزدند و فحش میدادند و همین مسائل می دانید خصوصی منجر شده بود که آن کنگره با صلح موفقیت آمیز نباشد یعنی یک عدد یک کارهای کرده بودند و یک هیئت دبیران هم معرفی کرده بودند و تا یک سال هم این مسئله ادامه داشت ولی یک هیئت دبیران دیگری هم بودند و یک سال د رسال ۱۳۶۲ مسا دوتا هیئت دبیران کنفراسیون داشتیم .

سؤال : و یکیش ادامه سال گذشته بود و آن یکی چه جریانی بود ؟

آقای دکتر محا مدی : اورا بیشتر جبهه ملی ها مثل اینکه داشتند، جبهه ملی ها داشتند بله در دست فرانسه بود .

سؤال : آن یکی دست کی بود .

آقای دکتر محا مددی : آنرا ، عده ای بودند در لندن .

سؤال : آنها بیشتر چه کسانی بودند از لحاظ فکری .

آقای دکتر محا مددی : آنها کسانی بودند که توده ای به رحال نبودند .

سؤال : ولی شما نمیدانید که وابسته به چه ...

آقای دکتر محا مددی : نه بعضی هایشان وابستگی اصلاً نداشتند و خیلی جالب این بود که یکی دو تا شان اینها عضو جامعه سوسیالیستها بودند جامعه سوسیالیستها در اروپا ، منتهی چون این وظیفه با آنها محول شده بود همینطور با قیمانده بودند مسئله خیلی مسئله مشخصی شده بود که در سازمان دانشجویان ، در فدراسیون انجمن‌ستان مشخص نبود که ما سیاست‌کار میکاریم از این دو تارا باید دنبال بکنیم و گاهی اوقات سیاست‌هارو را دنبال میکردیم چون نمیخواستیم واقعاً "این جنبش دانشجویی پاشیده بشود و گاهی اوقات هم به حرف هیچکدام گوش نمیدادیم .

سؤال : منظورتان از این دو تاریکی ها هستند ؟

آقای دکتر محا مددی : دوهیئت‌دیپیران کنفرانسیون که وجود داشت در عرض یک‌سال البته آن هیئت‌دیپیران ، انشعاب شد . آن بعد از ۶ ماه خودشان تشخیص دادند که دیگر فعالیت نکنند فعالیت را عملاً آن یکی هیئت‌دیپیران می‌کرد و همه اختلافات به رحال در کنگره سوم برطرف شد .

سؤال : کنگره سوم یکی از مهمترین کنگره های کنفرانسیون بود ، درست است .

آقای دکتر محا مددی : بله

سؤال : ممکن است که در مورد این کنگره توضیح بدھید ؟

آقای دکتر محا مددی : عرض کنم که کنگره سوم نقطه عطفی بود در فعالیت دانشجویی بدلیل اینکه اولاً این اختلافات بر طرف شده با همه کوششی که برای درهم شکستن شد ، همه نقشه هایی که کشیده شد هم از طریق حزب توده و هم از طریق سازمان امنیت بصورت ارگانیزه و لی موفقیت آمیز بود علت‌شان هم این بود که بعد از مدتی خود دانشجویان مختلف ، سازمانهای مختلف دیدند که این مسئله بدبینصورت که اختلاف پیش بیاید آن هدف اصلی راکت‌شکیل یک سازمان سیاسی ، سندیکائی دانشجویی غیر

وابسته به هیچ حزب سیاسی بود، اینرا از بین میبرد بنا براین باید متحد بشوند بنا براین شروع کردند با هم صحبت کردن و در انگلستان بخصوص کوشش ما براین بود که همه تا آنجائی که ممکن است با هم صحبت بکنیم در جلسات عمومی، در جلسات خصوصی و تمام نقطه نظرها ثی که با هم اختلاف داشتیم اینها را نوعی حل بکنیم و به توافق برسیم. درجا های دیگر هم تا حدودی در فرانسه هم این کار شده بود تا حدود زیادی، در آمریکا هم سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا که ظاهرا "هیئت مدیره اش جبهه ملی بود و در آن زمان میشد گفت جناح چپ جبهه ملی، از زاویه افراد این کار را بعهد داشت اینها هم به همین نتیجه رسیده بودند و میخواستند بپیوند به کنفراسیون و کنفراسیون را جهانی بکنند، سازمان دانشجویان ایران دانشگاه تهران هم نماینده فرستاده بود و آنها هم میخواستند که کنفراسیون از آن حالت کنفراسیون ایرانی دانشجویان در اروپا در بیان و کنفراسیون جهانی بشود و مسائل هم مسائلی بود که بهر حال مسائل عمومی ترو سیاسی تری بود بنا براین با اینکه خیلی طول کشید و خیلی اختلاف در داخلش بود یعنی در داخل آن کنگره بود دولتی موفقیت آمیز انجام شد و دوباره واقعاً "کنفراسیون یک تشکیلات فقط شد و فعالیتش را ادامه داد.

سؤال : این اختلافات چگونه بود در کنگره؟ سوم بخصوص اختلافات سیاسی را اگر میشود توضیح بدھیم؟

آقای دکتر محمدمدی : اختلاف، یک مقدار زیادیش بر سر اعتبارنا مهها بود، اعتبارنامه های شهرهای مختلف بخصوص از آلمان وايتالیا.

سؤال : پس آنها تشکیلاتی بود.

آقای دکتر محمدمدی : یک مقدار اختلافات سیاسی که بود یک مقدار کارشکنی هائی بود که سازمان امنیت آمده بود این چیزهایی که پشت صحفه بود حالا.

سؤال : ببخشید قبل از اینکه وارد این بخش بشوید سر اعتبارنا مهها، اعتبارنا مهها که ظاهراً "اختلافات تشکیلاتی بود چگونه در واقع اختلافات سیاسی را بیان میکرد؟

آقای دکتر محمدمدی : بهمین دلیل که عرض کردم مثلاً از یک شهری دوتا سازمان، دوتا سه نفر آمده بودند که مانماینده آن انجمن هستیم و این بهیچوجه من الوجوه نمیشند که ما بگوئیم، کدام یک از آن سه نفر نماینده دانشجویان آن شهر هستند، قابل کنترل نبود و خودشان هم نمیتوانستند با هم توافق بکنند.

سؤال : ولی نظریات سیاسی چطوری نفوذشان را کمتر یا زیادتر میکردنداز طریق این اعتبارنا مه ها ؟

آقای دکتر محا مدی : خوب برای اینکه اگر فرض کنید سه نفر اول می‌امند ممکن بود این سه نفر توده ای باشند سه نفر دوم می‌امند ممکن بود این سه نفر جیبه ملی باشند توجه میکنید بنا براین دونظر کاملاً مخالف ، و کوشش ما براین بود که بگوئیم چون نمیشد کنترل بگنیم ، خوب شما هر عتای نماینده هستید ولی از تا نمیتوانید رای بدھید ، باید بین خودتان تصمیم بگیرید به حال ، مثلاً سه نفر از شما بباید و سه نفر از شما هم ناظر باشد و این خود مشکلی بود که طول میکشید تا حل بشود .

سؤال : بله پس یک نوع مبارزه سیاسی که در کنگره ها صورت میگرفت از طریق اعتبارنا مه ها بود که شکلش بصورت تشکیلاتی بود ولی عمل " سیاسی بود .

آقای دکتر محا مدی : بله در بعضی جاها که سازمانهای دانشجویی شان مشخص نبود واقعاً " شهرهای کوچکی بود بخصوص در اتریش و در آلمان که تعداد دانشجویان شان هم کم بود و کنفرانسیون نمیتوانست کنترل بکند که اصلاً" مسئله چیست در آنجا و اینها سازمانهای دانشجویی جدید بود که می‌امند .

سؤال : که عضو کنفرانسیون بشوند درست است ؟

آقای دکتر محا مدی : بله ، بعد اختلافات دیگری که بود اختلاف پشت پرده قضیه بود برای از هم پاشیدن این بود که سازمان امنیت روزنامه های " مردم " چاپ میکرد و " مردم " که قلابی بود و هر روز در هتل و خوابگاهها و نمیدانم چه دانشگاهها که مادر آنجا بودیم ، در آن محلی که جلسات تشکیل میشد صدها از این پخش میشد و دوروز اول ... و به کنفرانسیون این فقط فحاشی بود .

سؤال : این فقط مربوط بود به دوران کنگره که این روزنامه ها تشکیل شد .

آقای دکتر محا مدی : بله و خوب اول همه خیال میکردند که این روزنامه ها واقعاً " روزنامه " مردم است و بعد شروع میکردند به حمله کردن ، این در خارج از کنگره بود حالا ، به توده ای هائی که احیاناً " می شناختند آنجا و بعد روز دوم سوهم شخص شد که جوهر اینها با صطلح تره و مشخص شد که همانجا چاپ میشد و این نمیتواند روزنامه " مردم باشد و یکی این شکلی بود عرض کنم خدمت شما ، از طرف دیگر عده ای میگفتند که یک عده چپ هستند ، اینها چند ، اینها کمونیستند و اینها را باید

بیرون کنیم حالا هرکسی یک عده دیگری را ، توجه میکنید ، عده دیگری هم آمد و بودند بصورت ناظر که ما هیبت مشکوک داشتند .

سؤال : منظورتان چه هست از ما هیبت مشکوک ؟

آقای دکتر محامدی : پیدا بود که آمده بودند برای خبرچینی برای اینکه قبل "هم" ...
سؤال : از طرف سازمان امنیت .

آقای دکتر محامدی : حتماً از طرف دولت حالا اگر سازمان امنیت هم بدآن صورت چیز نبود از طرف دولت واينها خيلي مشکل بود که کنترل بشوند بعداً اختلافات سیاسی هم که پيش ميا مد مهمترین مسئله اي که پيش آمده بود اختلاف تشکيلاتي بود ولی در اصل اختلاف سیاسی بود، پيوستان به يكى از اين دو سازمان بين المللی دانشجوئی بعدبر سر چيزهای مختلف آئين نامه اي و ازنظر سیاست ورزش (Resolution) کما زلحفا سیاسی اختلاف ایجاد میشد که البته چون ...

سؤال : مصوبات .

آقای دکتر محامدی : مصوبات ، چون هيئت‌نمايندگی انگليس که ما ۶ نفر بودیم ، ۸ نفر بودیم و باتمايلات مختلف هم بودیم و لی قبل "هم" اينهارا مخدومان برسی کرده بودیم هیچ اختلافی نداشتیم بين خودمان و ماها با عده زیادی از بچه ها ، نمايندگان فرانسه هم تقریباً هم نظر بودیم و با نمايندگان آمریكا و این میتوانست تاثیرزیادی بگذارد روی بقیه و کوشش کردیم که واقعاً "این دفعه کنفراسیون" ، اگرچه بحثها خيلي طولانی میشد و به جنگ وجودال میکشید ، ولی از هم پاشیده نشود و موفق هم شدیم و این موفقیت ها هم موجب شد که سازمان امنیت و غیره بعدها نسبت بآن خيلي حساس بشوند و این واقعاً هیچ برايشان کنگره های قبلی و حتی کنگره های سیاسی مخفی ، بعدها من فهمیدم که برای سازمان امنیت مطرح نبود ، ولی این کنگره سوم کنفراسیون برايشان خيلي مطرح بود و همه جزئیاتش را میخواستند بدانند درحالی که همه جزئیاتش را هم داشت ، بعدها من وقتی که به ایران رفتم این نکته را فهمیدم ، فرض کنید همین مسئله استقلال که پيش ميا مذازن نظر سیاستی عده‌ای اصرار میکردند استقلال ایران برای مصوبات ، عده‌ای اصرار میکردند که اسماً شوروی ذکر بشود علاوه بر آمریکا عده دیگری اصرار میکردند که نه ، نباید اسم شوروی چيز بشود .. فقط باید امپریالیستها به سرکردگی آمریکا ذکر بشود توجه میفرمایید عده ای میگفتند حتماً "باید مثلًا" چن را هم اضافه کنیم عده‌ای میگفتند چن نباید باشد ، توجه میکنیدواين خوب بحساب اختلافات ایدئولوژیکی را

نشان میداد منتهی کوشش ما این بود که این مسائل پیش نیاید و نوعی بشود که "اصل" وقتی میگوئیم امپریالیسم ، امپریالیسم دیگر احتیاجی به اینکه توضیح بدھیم ، شوروی ، آمریکا ، سرکردگی ، دیگر این را چیز نکنیم مگر اینکه یک چیز بخصوصی باشد، فرض کنید که رل آمریکا در ۲۸ مرداد و مسائل بعدی این باید توضیح داده بشود عده ای مخالف این میشنند و میگفتند چرا شما به آمریکا حمله میکنید به شوروی هم باید حمله کنید ، اینرا میدانید این دردی است که همیشه داشتیم یعنی هر موقع یکی که مطرح میشد باید آن یکی را هم مطرح کنید و گرنه میگویند شما کمونیست هستید و یا عامل سی آی هستید یا غیره اختلافات سیاسی از این قرار بود.

سؤال : آنوقت نظریات سیاسی که توی آن کنگره بودجه نظراتی بودند و چه سازمانها را بیشتر، نه از لحاظ تشکیلاتی، بلکه از لحاظ سیاسی بیشتر چه نوع سازمانها را نمایندگی میکردند ؟

آقای دکتر محمدمدی : بطورکلی همان عرض کردم جبهه ملی بود چون جبهه ملی هم جناح چپ جبهه ملی در اروپا و در آمریکا جناح چپش بود و جناح راست ، بعد عرض کنم حزب توده بود مقداری، و بعد چیز جامعه سوسیالیستها و بقیه غیرایندو جوانها را بودند که یا چپ بودند یا راست بودند و یا عرض کنم انشاعابیون حزب توده بودند اینها. از نظر سیاسی یک چیز کاملاً مترقبی ای بود که علیه استبداد و خفغان وغیره در ایران بود و در چیز بین المللی مسئله عدم تعهد با مقداری از تمایلات چپ، فعلای فرض بکنید که یکی از مصوباتی که ما داشتیم این بود ، آن موقعی بود که ۱۵ سال از انقلاب کوبا گذشته بود و مطابق آمار

سؤال : ۱۵ سال نه ، دو سه سال گذشته بود از انقلاب کوبا .

آقای دکتر محمدمدی : دو سه سال

سؤال : بله

آقای دکتر محمدمدی : ۶۳ کی بود ؟ ۵۹ بود انقلاب کوبا .

سؤال : سه چهار سال

آقای دکتر محمدمدی : بله ، سه چهار سال ، مطابق آمار سازمان ملل بیسوادی در کوبا تقریباً وجود نداشت و ما میخواستیم به سازمان دانشجویان کوبا که برای ما پیامی فرستاده بودند در کنگره یک پاسخی بدھیم و در ضمن این راهم با آنها تبریک بگوئیم این

چیز فرهنگی را ولی خوب این بار با مخالفت جناح راست موافق میشیم که البته بهر حال بعد از ساعتها بحث و جدال ماتوانستیم که این را با صلاح به تصویب بررسانیم و این کار را بکنیم البته مصوبات این چنینی هم وجود داشت که با صلاح متوجه بود و مصوباتی که همه انقلابات کشورهای دنیا ای سوم، کشورهای فقیر را پشتیبانی میکردند که کشورهای آمریکای لاتین و ...

سؤال : کنفرادسیون از تمام جنبشها که در کشورهای جهان سوم بودوا ینهارا دفاع میکرد درست است ؟

آقای دکتر محمدی : بله در این مرحله دیگر دفاع میکرد در مورد سیاست ایران هم با اینکه هنوز ضد مشروطه حرف نمیزد ولی نسبت به شخص شاه شدیدترین لحن را داشت بصورت مستبد و حتی یادم هست یک چیزی که پیشنهاد شده بود ولی تصویب نشد بخاطر اینکه خیلی تند بود که ما محمدرضا پهلوی را محاکوم میکنیم بخاطر قانون شکنیهای که کرده بود در کادر با صلاح حکومت مشروطه .

سؤال : آنوقت چه معیارهایی داشت کنفرادسیون برای اینکه تشخیص بدهد چه جنبشها مترقبی هستند و چه جنبشها یعنی نیستند ؟

آقای دکتر محمدی : این دیگر مشخص بود به این صورت که جنبشها معمولاً "جنبشای مترقبی هستند جنبش‌های کشورهای آفریقا ای نه اینکه جنبش‌های چپ باشند ، جنبش‌هایی بودند که همواره برای آزادی واستقلالشان از زیرسلطه استعما ردرآمدند ، در آفریقا اتفاق میافتا دهمان زمان بود که مثلًا "موزامبیک" یکیش بود .

سؤال : بله ولی بعد اینکه مسئله مهمی شد در کنفرادسیون ، مثلًا "چندین سازمان بوجود میآمدند که هر کدامشان ادعا داشتند که نمایندگی آن جنبش را میکردند ، بعد کنفرادسیون میباشد میتواند این اتفاق افتاد که کدام سازمان مستقل بود و وابسته به هیچ ابرقدرت و کشوری نبود و واقعاً "خواستهای آن مردم را نمایندگی میکرد .

آقای محمدی : یعنی مردم آن مملکت را می فرمائید .

سؤال : بله مثلًا "این یک مسئله ای بود .

آقای دکتر محمدی : نه ، ما آن زمان این حالت را نداشتیم هنوز ، در سالهای ۶۰، این بعد از اتفاق افتاد این حالت واقعاً "نیست یعنی فرض بفرمائید همین مثلًا "یک کشور آفریقا ای استقلالش را کسب کرده بود ما آنرا ذکر میکردیم که چیز بسیار مترقبی است و یا مثلًا "فرض کنید که مسئله کنگو مطرح بود

آن زمان و کاری که امپریالیسم میکرد در آنجا ، آنرا محاکوم میکردیم از این حدود تجاوز نمیکردیم ، فرض کنید که متوجه ترین چیزی که دادیم یعنی از نظر سیاسی چپ باشد همان پیامی بود که به سازمان دانشجویان کوشاوی فرستادیم که رسمی بود ، که سازمان دانشجویی کوشاوی برای ما پیام فرستاده بودند و پیام ماهمن در جواب آنها فقط این تبریک را ، تشکر میکرد و این تبریک را میگفت نه بخاطر انقلاب کوشا بلکه بخاطر برانداختن بیسوا دی ذرکشور .

سؤال : از نظر شما وقایع جهانی در آن زمان مثل انقلابات و جنبشها فی که صورت گرفت تاثیراتی در کنفرانسیون داشتند ، بخصوص در رادیکالیزم کردن کنفرانسیون مثل "پیروزی انقلاب در کوشا آیا تاثیر خاصی در کنفرانسیون داشت .

آقای دکتر محمدمدی : مسلماً "بله" مسلماً "این تاثیر داشت منتهی میدانید مسائل سیاسی هم که اتفاق می افتد فرض کنید که درست یک سال قبل از این بود . چین بعلتی حمله کرده بود به هند و این خوش مسئله ای شده بود؛ بحث بود و در همان کنگره سوم مسئله ای بود که آیا چین را محاکوم بکنیم یا نکنیم توجه میکنید بخاطر اینکه تجاوز کرده ، که البته توده ای ها پشتیبانش بودند که چین را "مثلاً" محاکوم کنیم و عده دیگر مخالف بودند و ما ها

سؤال : توده ای ها میخواستند چین را محاکوم بکنند ؟

آقای دکتر محمدمدی : بله که به هند حمله کرده در حالیکه ماهه معتقد بودیم می دانید که مسئله اینقدر پیچیده است که ما نه میتوانیم چین را محاکوم بکنیم نه هندران محاکوم بکنیم ، ما اصلاً راجع به این مسئله سکوت میکنیم و به کنفرانسیون این مسئله ارتباطی ندارد .

سؤال : بطور مشخص اگر خاطرتان هست مسئله کوشا ، پیروزی انقلاب کوشا چه تاثیری داشت روی کنفرانسیون .

آقای دکتر محمدمدی : پیروزی انقلاب کوشا ، بطور کلی ، خوب کنفرانسیون که بعد از پیروزی انقلاب کوشا تشکیل شده بود ولی بطور کلی جریانهای چپ مستقل ، مستقل از نظر عمل لاقل مثل کوشا ، تاثیر فراوان در کنفرانسیون نمیتوانم بگویم، ولی در ساختمان فکری جوانهایی که به خارج آمده بودند و اینها یعنی نسل بعد از ۲۸ مرداد و تعلیمات و تجربه سیاسی در ایران نداشتند خیلی تاثیرزیادی در ساختمان فکری این

افراد داشت و خوب البته بحثهای هم که در کنفرانسیون میشد و یا جلسات سخنرانی وغیره‌ای که وجود داشت در زمینه‌های مختلف میگذاشتیم ، چیزهای مختلف ، اینها هم روشنگر بسیاری از مسائل میشد برای دانشجویان و دنبالش را میگرفتند و با صلح امطالعه بیشتر میکردند و چیز می شد یعنی در روشنگری آنها نقش موثری داشت ولی در خود فدرانیون یعنی در خود کنفرانسیون بصورتی که بحساب یک سیاست تعیین کننده داشته باشد ، نه «اقعات تأثیر» یعنی تشکیلاتی وجود نداشت ، بلکه تأثیراتی بود که بروی اعضاء سازمانهای سیاسی میگذاشت و در اعضای کنفرانسیون می گذاشت .

سوال : درمورد کنگرهء سوم صحبت میکردیم نمایندههای این کنگره کی ها بودند
میتوانید از آنها اسم ببرید ؟

آقای دکتر م Hammond : والله از انگلستان تا آنجائی که من یادم هست مثل اینکه ۸ نفر بودیم بله میشود اسم برد ، من بودم عرض کنم که مرحوم نیکخواه بود ، منصوری بود که اگر یادتان باشد بانیکخواه دستگیر شد و ۱۵ سال هم در زندان بود محکوم شد اول به اعدام و بعد به حبس ابد و بعد ۱۵ سال ، پورکاشانی بسودو حنجه‌نی بود، برادر محمدعلی حنجه‌نی که الان مثل اینکه هنوز در انگلیس است و گویندگی بی . بی . سی را میکرد عرض کنم که رسولی بود که باز او هم در ارتباط با نیکخواه بود و رضوانی بود که فکر میکنم که هنوز خداکند زنده باشد فکر میکنم بعدها با سازمان انقلابی همکاری میکرده‌نه در آن زمان، بعدها، اینها از انگلستان بودند و اگر اسم دیگری بود ، من الان یادم نیست از آمریکا ، اردن بودو سیروس پرتوى که سیروس پرتوى بعدها مسئله سیاسی را ول کرد و بعد رفت به ایران در دانشگاه‌های صنعتی درس میداد از اروپا، از فرانسه ، مرحوم شریعتی بود عرض کنم که دکتر و چند نفر دیگر بودند که الان یادم نیست و دیگران بودند از آلمان، همینطور بودند مثلاً " لاشائی بود از آلمان فکر میکنم، یادم نیست دکتر مهندس شریانا می بود که یادم هست چون خیلی حرف میزد و وقت کنفرانسیون را سر هر مسئله ای عرض کنم که

سؤال : وقت کنگره را منظور تان هست ؟

آقای دکتر محا مددی : پله

سوال : این کسانی که شرکت میکرند تما پلات فکریشا ن چطور بود؟

آقای دکتر م Hammond : اینها ، از انگلستان تقریباً " همه تمایلات فکری چپ داشتند البته ...

سؤال : آیا چپ یکدست ؟

آقای دکتر محاجی : چپ یکدست یعنی چه ؟

سؤال : منظورم این است که روی تمام مسائل یکجور فکر میکردند یا اینکه در درون شما هم اختلافاتی بود ؟

آقای دکتر محاجی : در درون با هم خیلی اختلاف داشتیم ولی همینطور که عرض کردم خدمتمنان با هم به تواافق رسیده بودیم یعنی نه ما بعنوان نمایندگان بلکه انجمنهای دانشجویی ما ن به تفاهم رسیده بودیم و با یک برنامه خیلی مشخص آمده بودیم که کنفراسیون را از جدا شدن نجات بدھیم ولی تقریباً میتوانم بگویم که نمایندگان انگلستان همه چپ بودند و از جاهای دیگر هم ، هم چپ بودند و از آلمان شاید چندتا توده ای بودند که من اسم هایشان را الان خاطرم نیستم، یادم نیست و کنگره بسیار شلوغی بود در حدود فقط ۷۵ - ۸۰ نفر عضو کنگره بودند که به اصطلاح رسمیت داشتند و در حدود ۱۰۰ نفری هم و بیشتر از ۱۰۵ نفر بعنوان ناظر آمده بودند که در توییش همه جور افراد مشکوک هم پیدا میتوانست بشود بعد ، از فرانسه دکتر خوشنویسان بود و عده ای دیگرهم که الان یادم نیست از سوئیس مهمانداران یعنی علی شاکری بود و چند نفر دیگر سازمان دانشجویان سوئیس .

سؤال : جبهه ملی و مذهبیون هم نمایندگی داشتند در کنگره ؟

آقای دکتر محاجی : مذهبیون نه واقعاً " ولی بینید آن زمان در آمریکا و در اروپا نهضت آزادی فعالیت میکرد بعنوان یک تشکیلات مستقل که عضو جبهه ملی و غیره ولی اغلب مذهبیون در نهضت آزادی بودند .

سؤال : نهضت آزادی آیا فعالیتی داشت در ارتباط با کنفراسیون و سعی میکردند فسوز داشته باشد ؟

آقای دکتر محاجی : بله ، بله افرادی هم داشت ولی مشخص در انگلستان کسی نبود. البته داشت از سال ۶۲ بعد کمکم شروع میشد با ظهور جبهه ملی دوم در ایران کسانی پیدا شدند در انگلستان که ادعای کنند جبهه ملی سوم در انگلستان هستند و در مشا جره و نزاع همین مسائلی بودند که وارد کنفراسیون بشوند و اکثریت پیدا کنند و غیره ولی از نهضت آزادی در آن موقع در انگلستان کسی نبود یا لاقل تشکیلات مجہزی نداشتند، در فرانسه ظاهراً بودند ولی نمیدانم در ارتباط با دکتر شریعتی، چقدر در ارتباط

بودند و چقدر ایشان با آنها همکاری میکرد ، جاهای دیگر هم بودند ولی مشخصا "واقعا" یادم نیست یعنی فکرم هم نمیکنم که در آن زمان چیز مذهبی به آن صورت در کنفرانسیون مطرح بود ، نه :

سؤال : دکتر شریعتی در آن زمان که در کنگره شرکت کرد ، کنگره سوم ، نظریاتی که مطرح میکردند و خواسته هایی که داشتند آیا جنبه های مذهبی در آن وجودداشت ؟

آقای دکتر محامدی : نه ، نه اصلا" تا آنجایی که من خاطرم هست جنبه مذهبی اصلا" نداشت آن چیزی که ایشان مطرح میکرد جنبه های ملی داشت معمولا" منتها از نظر ما در آن زمان ملی دست راستی بود یک مقداری .

سؤال : در این کنگره آیا در محتوای فعالیتهای کنفرانسیون یا در منشور کنفرانسیون تغییراتی بوجود آمد ؟

آقای دکتر محامدی : نه زیاد، تا آنجایی که یادم است ، زیادته و منشور بصورت خودش مثل اینکه باقی ماند ، آئین نامه ها یک مقداری فرق کرد و بعدهم بیشتر وقت صرف مصوبات شد که مصوبات مفصلی بحساب تصویب شد ولی منشور خاطرم نیست ، فکر نمیکنم ، نه .

سؤال : مثلا" محیط کنگره یا رادیکال شدن دانشجویان ، محتوای نشریات شان ، مصوبات شان ، رشدی در آن دیده میشد از کنگره اول تا کنگره سوم ؟

آقای دکتر محامدی : میدانید کنگره اول چون خیلی محدود بود یعنی با صلاح اشخاصی که آمده بودند سلکتیو (Selective) بودند و تقریبا" از نظر فکری عده زیادی باهم هم فکر بودند ، در کنگره دوم و کنگره سوم چنین نبود تعدادی که آمده بودند خیلی زیادتر بودند و بنابراین نقطه نظرهای مختلف خیلی زیاد بودوا این مسئله هم بود که البته هرگروه سیاسی میخواست سعی کند که عقاید خودش را نوعی به کرسی بنشاند منتهی اینکه رادیکالیزه شدند ، مسلما" یعنی مصوباتی که در کنگره سوم تصویب شد بیشتر جنبه اجتماعی و سیاسی داشت و خیلی بیشتر هم بود تعداد داش از نظر بین المللی حتی همانطور که گفتم طرفداری از کشورهای دنیا سوم ، انقلابات دنیا سوم ، آزادی کشورهای مستعمره و غیره که در کنگره اول وقت برای این چیزها نبود و بیشتر وقت صرف به اصول و منشور و غیره شده بود. به این ترتیب با فعالیتهای که انجام شده بود و با صلاح تجاری که بدست آورده بودند وغیره مسلم است که رادیکالیزه شده بود یک مقدار مسائل بخصوصی در رابطه با ایران ، یعنی رابطه کامل"

مشخص بود که نماینده دانشگاه تهران هم شرکت کرده بود من یادم نیست کی بودکه آمد با پیغامی بعنوان نماینده دانشجویان دانشگاه تهران و این خودش دلگرمی خیلی زیادی میداد و آن نماینده وقتی صحبت میکرد و پیامی که میداد پیدا بودکه چقدر این جنبش دانشجوئی در خارج از کشور مفید بود از نظر روشن کردن و نه تنها روشن کردن بلکه یک چیز را : دلگرمی دادن به مبارزین داخل کشور بخصوص نسل جوان، از این نظرات میتوانیم بگوئیم "واقعاً" یک مقداری رادیکالیزه شده بود ولی همینطور که گفتمن هنوز جنبه ایدئولوژیکی بخودش نگرفته بود وکوشش هم میشد این جنبشه همینطور بماند و چیز نشود واقعاً "کنفراسیون" یک چیز ایدئولوژیکی نباشد؟

سؤال : کنگره، سوم کنگره، وحدت اسم دارد درست است؟

آقای دکتر محمدمدی : بله

سؤال : ولی علیرغم این اختلافات زیادی درونش وجود داشت

آقای دکتر محمدمدی : بله ولی در مصوبات دیگر نه، یعنی اختلافات به رحال بر طرف شد یعنی آن کنفراسیونی که پا شیده شده بود بنوعی، یعنی دو تا هیئت مدیره و هیئت مدیران داشت، آن دوباره یکی شد.

سؤال : از نظر تشکیلات و از لحاظ ...

آقای دکتر محمدمدی : از لحاظ تشکیلاتی و از لحاظ مصوبات

سؤال : ولی افراد در درونش روی خیلی مسائل اختلاف نظر داشتند ولی کماکان متحد بودند آیا شما فکر میکنید که چه چیزی بود که باعث شد متحد بماند علیرغم این اختلافات؟

آقای دکتر محمدمدی : والله یکی این بود که میگوییم چون هنوز اکثریت کسانی که شرکت میکردند معتقد بودند که کنفراسیون نباید یک حزب سیاسی بشود و آن دسته‌ای که بصورت ارگانیزه مخالف این قضیه بودند، توده ای‌ها بودند و آنها هم چون اکثریت نداشتند نمیتوانستند حرفاشان را به کرسی بنشانند بنابراین همین مسئله باعث نمیشد، سازمانهای سیاسی که دخالت نداشتند بصورت چیز، تا آنجایی که من میدانم جامعه سوسیالیستهای ایران در اروپا بود، شاید عده‌ای از حزب توده بودند و جبهه ملی بطور کلی بود وهمه اینها یک چیزی نداشتند که کنفراسیون یک سازمان سیاسی بشود، سیاسی بعنوان وابسته به یک حزب، و هدفها ن این بود که کنفراسیون

یک چیز صنفی سیاسی باقی بماند و همه بحث‌هم این بود که سازمانهای سیاسی که خوب‌هستند در خود سازمانهای سیاسی باید فعالیت سیاسی شان را انجام بدهند، کنفرادسیون یک چیزی که همه کوشش این بود که بصورت علنی و عامی عمل بکنند و خودش را بخصوص در این مرحله که شده بود سازمان جهانی، یعنی دانشجویان ایرانی در ایران را هم شامل میشد، بنا براین باید طوری باشد که ما بتوانیم خودمان را به دستگاه بقبولانیم، نه اینکه به قبولانیم که آنها مارا قبول خواهند کرد ولی بما انس گیری قانونی شتوانند بزنند، این مسئله ای بود که تشکیلات صنفی و سیاسی باقی بمانند، بنا براین کوششمان این بود که هیچیک از ایدئولوژیکهای سازمانهای سیاسی را وارد قضايانکنیم در عین حال که محتوای قضیه مترقی است.

سؤال : آیا کسی بعنوان نظر شخصی اش در آن زمان میتوانست نظر ایدئولوژی خودش را هم مطرح بکند در جلسات ؟

آقای دکتر محمدمدی : مسلم است، در همان کنگره مسائل ایدئولوژیک بحث میشد و با برداشت‌های مختلف یعنی اظهار نظرها جنبه ایدئولوژیک داشت راجع به هر مسئله‌ای منتها آن محتوای ایدئولوژیکی را ما رد یا تصویب نمیکردیم . فقط بحث میشد مثلاً فرض بفرمایید ما چین را محکوم نمیکردیم شوروی را هم محکوم نمیکردیم توجه میکنید در حالی که تندانسی (Tendency) بود که چین یا شوروی را محکوم بکنیم، از آمریکا اسم می‌بردیم بعلت کارهایی که در ایران کرده بود .

سؤال : ممکن است در مورد ادامه فعالیتهای کنفرادسیون توضیحاتی بدهید ؟

آقای دکتر محمدمدی : والله بعد از کنگره سوم یعنی چند ماه بعد از کنگره سوم، مسئله ۱۵ خرداد پیش‌آمد و ۱۵ خرداد هم باز تظاهرات و اینها بودو این نقطه عطفی بود که عده زیادی از دانشجویان، یعنی این بحث پیش‌آمده بود که واقعاً "کسانی که یک نوع کارشن تمام شده به ایران برگردند و ماندشان در خارج فایده‌ای ندارد و با این بحث عده زیادی از دانشجویان یعنی فعالیین به ایران برگشتنند که عده زیادی از این کسانی که به ایران برگشتنند امکان برگشتنشان به اروپا دیگر وجود نداشت یعنی سازمان امنیت جلویشان را گرفت، ابتدا دستگیریشان، کاریشان نداشت ولی نمیگذاشت که بر گردند، در پاسپورتشان اجازه خروج نمیدادند، آنها و بعدها کنفرادسیون به فعالیت خودش ادامه دادند، نوعی منهم به ایران رفتند بعد از ۱۵ خرداد درست یکماه، یکماه و نیم به ایران رفتند بعد از ۱۵ خرداد و بعد تماس مستقیم هم دیگر با کنفرادسیون قطع شد، تماس غیرمستقیم هم بعد از مدتی قطع شد برای

اینکه امکان مکاتبه واقعاً "نبود و خبرگیری؛ چون تحت شرایط بدی ما در ایران زندگی میکردیم، اما کنفراسیون به فعالیت خودش ادامه داد و ظاهراً" از همین کنگره سوم به بعد بود که دولت کنفراسیون را به رسمیت نشناخته بود، ولی نوعی به رسمیت شناخته بود، بعنوان یک خطر احساس کرده بود؛ و بنابراین از همین جا بود که کوشش داشت به هر نحوی که شده کنفراسیون را از هم داغان بکند، بلافاظه، سازمان امنیت بخصوص در انگلستان، که فکر میکردند همه فعالیتهای سیاسی در انگلستان متمرکراست، در حالی که در اشتباه بودند عده زیادی مامور فرستاده بود و خود را دریافت کردند که سفیرکبیر بود و اینها انجمنی درست کرده بودند در مقابل فدراسیون پول خیالی زیادی در اختیار داشتند و سازمان امنیتی های فرستاده شده بود به انگلیس که اعضای فدراسیون انگلیس و فعالیین و دانشجویان مخالف را یا رهبران را کتک میزدند به خانه هایشان حمله میکردند و غیره و غیره و تامدی میدانید بعد از اتفاق و قیام ۱۵ خرداد و مسئله انقلاب سفید شاه، بهر حال باز دوباره یک عقب‌نشیمنی و شکست جبهه ملی دوم و برای یک مدتی یک عقب‌نشیمنی هم ایجاد شده بود از نظر دانشجویان و سازمانهای سیاسی در اروپا که خوب چه آن موقعیت تاریخی سیاسی بازار بین رفت و تمام آن، با صلح میدانید، یک سر درگمی ایجاد شده بود و این سر درگمی هم کمک میکرد دومرتیه، من فکر میکنم در ظرف چند سالی تا دو سال بعدش کنفراسیون گرچه فعالیت میکرد و فعالیتش هم شدید بود ولی هم کنفراسیون و هم سازمانهای سیاسی یک شکوفائی قبلی دو سه سال اول رانداشتند که باز دوباره قضایا با مسائل ایران، من فکر میکنم، از اواخر سالهای ۶۴-۶۷ لاقل میتوانم بگویم که فعالیت کنفراسیون خیلی زیاد و چشمگیر نبود، من خودم در سال ۶۶ آدم به آمریکا و تقریباً فعالیت کنفراسیون در حدود ایالت ماساچوست صفر بود یعنی تنها کسانی که میشد صحبت از مسائل سیاسی بکنند دونفر یا سه نفر بیشتر نبودند.

سؤال : پس شما یک رابطه مستقیم می بینید، بین حرکت های دانشجویان از لحاظ سیاسی همواره در خارج از کشور، با موقعیت سیاسی که در درون جامعه وجود داشت.

آقای دکتر محمدمدی : مسلم ، مسلم .

سؤال : هرچه جامعه مثلثاً باز تر میشد یا سیاسی تر میشد در داخل، امکان فعالیت هم در خارج بیشتر میشد.

آقای دکتر محمدمدی : بله چون سیاستها و مسائل سیاسی وقتی مطرح هست در خود ایران

و سازمانهای سیاسی چه مخفی و چه علنی وجود دارند؛ این منعکس‌کننده مسائلی است که فعالیت‌هم در خارج در میان دانشجویان اوج میگیرد، و همچنین سازمانهای سیاسی که وجود دارند، و باز از اواخر سالهای از ۶۴ بعد دوباره فعالیتهای کنفراسیون لاقل در آمریکا، که من بودم به برکلی که آمدم، دومرتبه اوج گرفته بوده بعد در سالهای ۷۰ بالاتر رفته بود بخصوص بعد از مسائل چریکی و مسلحانه‌درایران که دیگر اصلاً کنفراسیون به حساب ضد رژیم شد. آن کنفراسیون از سالهای ۷۰ به بعد ضد رژیم شده بود و آن حالت معتدل را که ما داشتیم، صنفی سیاسی، را ازدست داده بود.

سؤال : از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۳ که دوران بسیار مهمی بود در تاریخ کنفراسیون نقش سازمانهای سیاسی را شما چطور می‌بینید؟ ارزیابی میکنید، آیا بدون آن سازمانهای سیاسی کنفراسیون کما کان بوجود می‌آمد؟ ارزیابی شما چه هست از رابطه‌این سازمانهای سیاسی و کنفراسیون؟

آقای دکتر محمادی : من فکر میکنم که رابطه مستقیم داشت، اگر رابطه مستقیم نداشت کنفراسیون بعنوان یک سازمان سیاسی نمیتوانست بوجود بیاید، سیاسی که با اصطلاح مترقی باشد و خط مشی سیاسی و برنامه‌های سیاسی داشته باشد و این هم پاره‌ای امکان جنبشی که در ایران بوجود آمده بودواجداد شده بود، یعنی فعالیت سازمانهای سیاسی بصورت گسترده آن و چیزهای سیاسی هم که در خارج از ایران بوجود آمده بود فعالیت میکردند یا فعالیتشان گسترده شده بود، بنحوی به اصطلاح دنباله مسائل و سازمانها سیاسی بود که در ایران رواج داشت یعنی واقعاً امکان ندارد که یک فعالیت سیاسی و حتی کنفراسیون خیلی فعال در خارج باشد بدون اینکه در داخل مملکت چیزی وجود داشته باشد، این مشکل است یعنی قابل لمس نیست در حقیقت و هر موقع که در ایران جنبش شروع شده است و یا امکاناتی وجود دارد، در خارج ایران هم این امکانات شدید تر میشود و بهتر از آن استفاده میشود و سازمانها بیشتر فعالیت میکنند.

سؤال : سازمانهای سیاسی چطوری نفوذشان را جلو میبرند در کنفراسیون؟

آقای دکتر محمادی : با پوشش دراينکه با اصطلاح اعضای بیشتری داشته باشند رسازمانها سیاسی و در انجمان‌های دانشجویی و اینکه با اصطلاح حرفه‌ای منطقی تری بزنندورای بیاورند و در هیئت مدیران یا هیئت‌دبیران، اکثریتشان را از آنها انتخاب بشوند.

سؤال : آیا مثلاً تبلیغ مشخص و علنی به اسم برای سازمان خودشان میکردند.

آقای دکتر محاجی : بهبیچوجه ، از سازمانها ، همه سازمانها مخفی بودند.

سؤال : هیچکس رسما "بعنوان نماینده سازمانی در درون کنفراسیون معرفی نمیشد؟

آقای دکتر محاجی : هیچوقت ، نه غیر مستقیم بله همه می دانستند مثلاً "من متعلق به چه سازمانی هستم ولی اگر از خود من می پرسیدند انکار میکردم برای اینکه همه کار این بود که فعالیت در سازمانهای سیاسی مخفی باشد .

سؤال : پس اختلاف سازمانهای سیاسی در درون کنفراسیون از طریق مسائل سیاسی و ایشو (Issues) های سیاسی مطرح میشد.

آقای دکتر محاجی : بله ، ایشو (Issues) های سیاسی که بوسیله آن مطرح میشد مشخصاً .

سؤال : واينها مربوط میشد به مسائلی که مربوط به خودکنفراسیون بودیا مسائل سیاسی که کنفراسیون می باشد در مردم نظر بدهد ؟

آقای دکتر محاجی : بله ، دیگر مربوط به همه مسائل ، چیزهایی میشد از نظر جهان ، سیاستهای جهان ، از نظر عرض کنم که ضد رژیم بودن یا نبودن ، از این جو مسائل دیگر .

سؤال : تاسیل ۳۶ اختلافی بین این سازمانها که خودش را نشان بدهد کنفراسیون و در مردم اهیت کنفراسیون که آیا کنفراسیون باشد یک سازمان انقلابی باشد یا نه و آیا با یاد موضع بنیادی ضد رژیم داشته باشد ، این چنین اختلافاتی وجود داشت ؟

آقای دکتر محاجی : بهبیچوجه ، نه ، یعنی تمام چیزها براین بود که بحساب می خواستند همه کنفراسیون را بصورت یک سازمان علنی

سؤال : موضوع سرنگونی رژیم آن زمان در منشور کنفراسیون یاد ربط مشی کنفراسیون بود

آقای دکتر محاجی : بهبیچوجه نبود .

سؤال : در کنگره سوم هم مطرح نشد ؟

آقای دکتر محاجی : بهبیچوجه نبود اگر هم میشد مخالفتی شدید میشد که بهمان دلیل که گفتم میخواستند کنفراسیون یک سازمان سیاسی و علنی باقی

بماند که بحساب بتواند در قادر قانونی عمل بکند.

سؤال : آنوقت توی این کنگره سوی توی منشور و خط مشی اش آیا برداشتی که بگوید این منشور یا خط مشی ممکن است برداشت سرنگونی بدهد؛ بین هیچکدام از نماینده‌ها وجود داشت؟

آقای دکتر محمادی : بله ولی وجود داشت این مسئله و مطرح میشد ولی باز به آنجا میرسیدیم که بگوئیم در کادر حکومت مشروطه حتی اگر به شاه هم حمله میکردیم؛ شاه را محکوم میکردیم به اسم برای اینکه قوانین مشروطه را زیر پا گذاشته و به آن عمل نکرده ولی از آن جلوتر، ضد رژیم نبودیم.

سؤال : شما چه سالی برگشتید به ایران؟

آقای دکتر محمادی : ۶۳.

سؤال : ۶۳، آنوقت شما و دوستانتان که برگشتید به ایران در اثر فعالیتهای که در خارج داشتید مراحتی برایتان ایجاد شد در بازگشت؟

آقای دکتر محمادی : بله، همانطور هم که گفتم قبلاً، عده زیادی که تصمیم‌گرفتند برگردند به ایران و برگشتند و اولین مراحت این بود که عده‌ای از آنها برای فقط تابستان رفته بودند مطالعه بکنند و یا حتی بمانندولی بعد دیدند که نمیشدند، میخواستند ولی بهیچوجه من الوجوه بآنها اجازه خروج نمیدادند.

سؤال : گفته میشد به چه دلیلی؟

آقای دکتر محمادی : نه، دلیلش خیلی مشخص بود یعنی آن زمان کارهای ما وابسته بود به اداره‌ای به اسم اداره اعزام محصل به خارج که جزئی ازوپارت فرهنگ بود وقتی که رجوع میکردید آنها اول باید یک چیزی مینوشند؛ پاسپورتها هم دوچور بود یکی پاسپورت تحصیلی بود و یکی پاسپورت عادی، پاسپورت تحصیلی ماها داشتیم بنابراین، این پاسپورت تحصیلی می‌باشد آن اداره با صلاح موافقت میکرد و بعد شهربانی اجازه خروج میداد و وقتی به آن اداره میرفتیم یک آقای بود یک دفتر بزرگی داشت؛ پاسپورت را میگرفت و آن دفتر را بازمیکرد و جلوی اسم ماها یک خط دوستان ما تصمیم‌گرفتند که بروند و بحث کنند. یکبار تصمیم‌گرفتند که بروند و در اطاق رئیس این اداره تھضن کنند که چرا این کار را ... و بایدبه کی رجوع کنند و این کار را هم کردند و او حتی نگفته بود بروید به سازمان امنیت، گفته

بود دست من نیست، این خط قرمز جلوی اسم شما کشیده شده و شمانمیتوانید بروید، البته بعد از مدتی یکی دوتبا، نه بلافاصله، بعد از ۶ ماه، یکسال چندنفر از ماها را یک بیک خواستند بدلایل مختلف، یعنی سازمان امنیت خواست و یکی دیگر از کارهای هم که میکردند: بهیچوجه ما اجازه کار رسمی نداشتیم و کار غیر رسمی هم نداشتیم. من در عرض یکسال اولی که در ایران بودم چهار جای مختلف کار گرفتم و هر چهار جا بعد از دوماه خودم استعفا دادم برای اینکه میدانستم که فرم سازمان امنیت را پر میکردند، و سازمان امنیت را می‌دانستم که مخالفت میکند بنابراین می‌دویدم، بعد از اینکه از آنجا می‌آمدم بیرون، ۲ ماه میدویدم که حقوقم را از آنجا بگیرم چه کار دولتی و چه کار غیر دولتی و همه ما این حالت را داشتیم. عده‌ای بودند که دانشجویان دولتی بودند که فعالیت شدیدی کرده بودند در کنفرانسیون، اینها را بالکل آن سازمانها نپذیرفتند از جمله دانشجویان شرکت نفت بودند، همین منصوری یکی از آنها بودکه با اینکه تمام خرج تحصیلات‌ش را شرکت نفت داده بود، ولی شرکت نفت از اول گفته بود که شما را استخدام نمیکنیم و این همین‌طور خوشحال شده بود برای اینکه تعهدش به شرکت نفت از بین رفته بود، تعهد کاری که داشت، یک کار دیگری میخواست البته بعد از مدت‌ها، بعد از تقریباً یکسال و نیم بعدش یواش میشود مسائل طوری پیش آمد که مسائل سیاسی هم طوری بود که خفغان هم بیشتر میشود مسئله انقلاب سفید پیش آمده بود، ترور مرحوم منصور پیش آمد و خفغان بیشتر میشود این خفغانها و نبودن آزادی و غیره موجب میشود که عرصه را برهمه تنگتر بکند. ما همه نوعی، همه نمیتوانم بگویم؛ ولی عده‌ای از ما که برگشته بودیم نوعی فعالیت سیاسی داشتیم در خود ایران هم، منتهی این سیاست، با هم نبودیم گروههای مختلف بود، مثلاً "با دوستانم آنها که ازانگلیس آمده بودند در یک سازمان فعالیت و بخصوص فعالیت سیاسی نمیکردند، آنها نمیدانستند من چه میکنم من هم نمیدانستم آنها چه میکنند ولی با هم زیاد صحبت میکردیم و با هم خیلی دوست بودیم و کم کم بعد از این واقعه، مسئله باصطلاح ترور شاه اتفاق افتاد توسط آن سرباز در دربار که این موجب شده عده زیادی را بگیرند از جمله خود بندۀ را، که در هیچ ارتباطی مابا آن قضیه نبودیم و حتی آن آدمهای هم، گروه نیکخواه را هم که در ارتباط با آن قضیه واقعاً "نبودند بطور کلی، منتهی یک چشم‌زهري بود، من نمیدانم نقشه آنها چه بود هنوز هم برایم روشن نیست ولی یک انتقامی بود که دستگاه میتوانست بگیرد از فعالیت‌کشانی از دانشجویان که باصطلاح فعالیت میکردند در خارج و از همان موقع بود که من فکر میکنم که دوباره مسئله کنفرانسیون هم در خارج، برای اینکه کنفرانسیون شروع کرد در دفاع از این دسته در خارج و خیلی اکثیرو (Active) شد و رادیکالایزه شدند به این صورت از نظر فعالیتی که این از سال ۵۶ بعد بود.

سؤال : سر این دستگیری ممکن است بیشتر توضیح بدهید ؟

آقای دکتر محا مدی : عرض کنم که در بهمن سال ۴۴ یا ۴۳ بود که منصور ترور شده‌ها را با ترور منصور بعنوان نخست وزیر وقت عده زیادی دستگیر شدند که این عده زیاد بیشتر از نهضت آزادی و با صلاح مذهبیون بودند هفدهم یا چندم فروردین سال بعد بود یعنی چندماه بعدش بود که یک سربازی در کاخ سلطنتی شاه ، کاخ قدیمی‌که در خیابان کاخ بود ، از خانه اش ، از کاخ مسکونیش میرفت به دفترش، یکی از سربازها به شاه حمله کرد یا چیزی که شاه در رفت و آن سرباز جا بجا کشته شد بلافاصله بعد از این قضیه ، بلافاصله نه سه چهار روز بعدش بی خبر از همه جا آن منصوری را دستگیر کرده بودند و بلافاصله بعداز دستگیری منصوری نیکخواه و بعد مرا دستگیر کردند یعنی تقریباً "با فاصله چند ساعت و بعد یک عده دیگری را ، که ۵ نفر ما در انگلیس بودیم و فعالیت کنفرانسیون بودیم و بقیه کسانی بودند که فقط نوعی دوستی با نیکخواه داشتند و هیچ‌کدام از مارا نمی‌شناختند و هیچ مشخص هم نبود که اتهام چه بود، و این کار را رکن ۲ کرد ، رکن ۲ ضدجا سوسی و با صلاح سازمان اطلاعات ارتش و بعداز مدت‌هم نه ، بعداز یک هفته تقریباً " ، مراتحويل دادند ، البته وقتی من را گرفتند من نمیدانستم به چه علتی گرفتند فقط این بود که حکم بازداشتی داشتم که حکم بازداشت من با نیکخواه است ^{بغيرنظا} میان من و پرویزنیکخواه به جرم شرکت در دارو دسته علیه نظام مشروطه و همچنین عضویت در حزب یا دسته‌ای با مردم اشتراکی توقيف شدیم و من تعجب کردم اصلاً " ، تعجب این بود که وردند من را ، نیکخواه امضا کرده بود ، تعجب کردم که من چرا با نیکخواه دستگیر شدم و هرگز هم این مسئله برای من روشن نشد ظاهراً " بعدها چیز ارتش به من گفت ، بعدها هم آقا رئیس سازمان امنیت شد ، سپهبد مقدم که آن زمان سرهنگ بود ، رئیس اداره سوم چیز بود ، بعدها به من که من را احضار کرده بود گفت اشتباه شده بنویس زمزمه شناس آوردید و اگرنه به ۱۰ سال محکوم می‌شید چون من در فعالیت سیاسی دیگری بودم که خوشبختا نه وقتی آنها لو رفتد ^{میان} چهارماه بود که در زندان بودم ، و من در گیری نداشتمن بعدها فهمیدند که خوب آن زمان که آنها اکتیو بودند من در زندان بودم و دیگر برایشان مطرح نبود که من را محاکمه کنند ، مرا حمم می‌شدند حتی پس از اینکه از زندان آزاد شده بودم در حدود ۶ ماه هر روز مرا حم بودند ، مرا حم خیلی بد تا اینکه بالاخره خودشان تصمیم گرفتند یعنی همین آقا سرهنگ مقدم من را خواست و گفت شما آدم ناراحتی هستید و ما هیچ راه حلی برایت نمی‌توانیم پیدا کنیم و حتی اینجا ای که هستی و هیچ کارهای میدانیم نمی‌کنی ، ولی یک مامور ما باید ۲۴ ساعت ترا بپاد و بنابراین ماترجیح میدهیم و به این نتیجه رسیدیم که بشما پاسپورت بدھیم و بروی و بعددر طرف ۲۴ ساعت پاسپورت ترا بدھیم ، پاسپورتی که سه سال و نیم من دنبالش میدویم ، در عرض ۲۴ ساعت حاضر شد دلیلش هم خیلی ساده بود می‌گفت : یا می‌روم آنجا ۲۰ هزار نفر دانشجو هستند

ودارند علیه مداد میکشند؛ علیه حکومت؛ تومیری میشوی یکنفر اضافه، خطری نیست برايم حالا ولی اگر اين کار را بكنی و شروع بکنی یک نتيجه جالب خواهد داشت برای خودت و آن نتيجه اين خواهد بود که ما بلا فاصله خواهیم گفت تو از خودما هستی، چطور ماترا گرفتیم و بعد ترا ول کردیم؛ به این سادگی، و بدنا مت خواهیم کرد، بنا بر این حالا خودت میدانی، میدانم که آدم فعالی هم هستی و همه کار میکنی. ببینید این مسئله برای من، وقتی که آدم آمریکا، خیلی دشوار کرد قضیه را که فعالیت سیاسی به آن صورت نمیتوانستم بکنم ولی خوب با این حال، یعنی عضو کنفدراسیون هم که نمیتوانستم باشم چون دانشجو نبودم ولی بهر حال با دانشجویان بودم و طوری هم رفتار کردم که خوشبختانه این چیز بمن تجربه، نتوانستند این کار را بکنند البته دوباره که برگشتم به ایران اشکال داشتم، دوباره یعنی سال ۷۱ که به ایران برگشتم تا سال ۷۴ نمیگذاشتند که از ایران بیرون بیایم، دوباره بدليل اینکه میگفتند تو رفتی آنجا فعالیت کردی، و فعالیتی هم نکرده بودم تنها چیزی که بود ۲ تا صحبت کرده بودم در انجمن دانشجویان اینجا، خانه ایران اینجا، که از این دو تا صحبت نوار داشتند بالاخره یکروزی بناجار، و اجازه کار رسمی هم بمن نمیدادند، از طریق رئیس دانشگاه اقدام کردم رفتم در سازمان امنیت و آنجا خیلی بحث شدیدی داشتیم و من از هر دو حرفم دفاع کردم، از هر دو سخنرانی که در برکلی کرده بودم و ظاهرا "بهر حال هردوی این صحبتها را نوار داشتند و یکی اینکه اصلاً" چرا به برکلی رفتی، خودش این بود که برکلی مرکز فعالیت سیاسی بوده.

سؤال : این درجه سالی بود که شما سخنرانی کردید در برکلی ؟

آقای دکتر محمادی : همان درسال ۶۸، ۶۹، نمیدانم ۶۹ - ۷۰ یک سخنرانی که یکی آن دکتر چه بود آمده بود از دانشگاه تبریز؟ دکتر منظری، و مجلسی برایش تشکیل داده بودند که باید آنجا و او میخواست بچه هارا باصطلاح قانع بکند که به ایران برگرددند. آن موقع رئیس دانشگاه تبریز بود، این آمده بود و حرفهای میزد که خیلی خوش صحبت بود چون قبله "توده ای بوده، بچه ها عده ای شاگردانش بودند، میان این حرفاها، اصلاً" میدانید، داشت همه را قانع میکرد که در ایران آزادی هست و همه این مسائل و شما بیخود برنمیگردید و در ایران همه کار میشود کرد و اصلاً" ضد رژیم داشت حرف میزد و ظاهرا "یک مامور هم با او بود و بعد من همه این حرفه را که زد بلند شدم و جوابش را خیلی شدید دادم که تو منتبش شاه هستی و همه، مسائل دیگر، که خیلی بدش آمد و ناراحت شد و این موجب شد که ، ۲۵ دقیقه من حرف زدم و بچه هایی که خیلی اصلاً، هیچ چیز نمیگفتند و واقعاً" داشتند قانع میشدند و شک افتاده بود توی دلشان که مسئله چه هست بعد هم که آدم بیرون با من دست داد و گفت انشاء الله ایران

می بینمتنان ، و خلاصه من از حرفها یم در سازمان امنیت شدیداً " دفاع کردم . یکی هم برای بعداز مرگ آل احمد بود که برای او درخانه ایران حرف زدم و همه این حرف بود، که آنجا چرا برای آل احمد حرف زدی، گفتم من برای آل احمد حرف زدم و درست هم گفتم و معتقدم که شما کشتیدش ، نمیگویم که شما مسمومش کردید، شما کردید، دق مرگش کردید آل احمد را و دلایل هم این است و بهر حال یعنی پرونده ای که برای من تشکیل دادند، آن پرونده هنوز هم باقی است یعنی هیچوقت کار رسمی نمیتوانستم بکنم و حتی در دولت جدید هم با استناد به همان پرونده که من نمیدانم محتوا یش چه هست دقیقاً" موجب شد که باز من را در ایران رسمی نکنند و همچنان بعنوان یک آدم مخالف باقی بمانم با همین دولت جدید یعنی زمان آقای بنی صدر.

در اینجا مصاحبه با آقای دکتر محمدی پایان می پذیرد .